

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

رساله‌ای در

فقه خمس

به انضمام ملحقات آن

گردآوری و تنظیم

شیخ علا سالم

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

رساله‌ای در فقه خمس	نام کتاب
احمد الحسن <small>رحمته الله</small>	نویسنده
علا سالم	گردآوری و تنظیم
گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی <small>رحمته الله</small>	مترجم
اول	نوبت انتشار
۱۳۹۶	تاریخ انتشار
۱۱۲/۱	کد کتاب
اول	ویرایش ترجمه

جهت کسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارک
سید احمد الحسن رحمته الله به تامل‌های زیر مراجعه نمایید .

www.almahdyoon.co/ir
www.almahdyoon.co

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

- ۹..... اندرز این رساله
- ۱۱..... پیش گفتار
- ۲۱..... محور اوّل: در واجب بودن خمس
- ۲۷..... محور دوّم: در آنچه خمسش واجب است
- ۲۷..... اوّل: غنایم
- ۲۸..... دوّم: معادن
- ۲۹..... سوّم: گنج‌ها
- ۳۲..... چهارم: هر آنچه از دریا با غواصی خارج می‌شود
- ۳۳..... پنجم: زمینی که اهل ذمه از مسلمان خریده است
- ۳۳..... ششم: حلال مخلوط شده با حرام
- ۳۳..... هفتم: آنچه از هزینه سالانه اضافه آید، و آنچه به آن ضمیمه می‌شود
- ۳۴..... اوّل: تشریح خمس در آنچه از خرجی سال اضافه آمده است
- ۳۶..... دوّم: مشخص کردن رأس (ابتدای) سال خمس
- ۳۷..... سوّم: خمس در مقدار افزون بر نیاز است
- چهارم: پرداخت خمس منبع درآمد (مغازه، شرکت... و نظایر آن)
- ۳۹.....
- ۴۰..... پنجم: تعدّد منبع درآمد
- ۴۱..... ششم: حقوق کارمندان

- هفتم: پول پس انداز شده برای ازدواج، حج یا خرید مسکن..... ۴۲
- هشتم: خمس آنچه در اختیار نباشد، و مضیقه و تنگنای مالی..... ۴۳
- نهم: اموال کودکان..... ۴۵
- محور سوّم: در تقسیم خمس..... ۴۷
- خاتمه: خارج کردن خمس و تحویل آن..... ۵۰
- محور چهارم: در انفال..... ۵۳
- محور پنجم: در صلّه امام عليه السلام..... ۵۵
- پیوست اول: متن کتاب خمس از کتاب احکام نورانی اسلام..... ۵۹
- فصل اوّل: آنچه به آن خمس تعلق می گیرد..... ۵۹
- فصل دوّم: تقسیم خمس..... ۶۴
- انفال:..... ۶۶
- پیوست دوّم: پرسش های متفرقه درباره خمس..... ۶۷
- پیوست سوّم: صلّه امام عليه السلام..... ۷۷

اندوخته این رساله

سید احمد الحسن (علیه السلام) می فرمایند: (خداوند توفیقت دهد! مسائلی دربارهٔ خمس در کتاب پاسخ‌های روشن‌گر و دیگر کُتب مثل شرایع- وجود دارند؛ اگر ممکن است آن‌ها را گردآوری کن و کتابی در این باب بنویس که در آن توضیح و جریات خمس به صورت مفصّل باشد تا برادران و خواهران شما به مقتضای آن عمل کنند و اگر موارد مبهمی وجود داشت می‌توانی از آن‌ها سؤال کنی).

محمد بن زید طبری می‌گوید: مردی از بازرگانان فارس که از پیروان امام ابوالحسن رضا (علیه السلام) بود به آن حضرت نامه‌ای نوشت و دربارهٔ خمس اجازه خواست. ایشان در پاسخ او نوشتند: (بسم الله الرحمن الرحيم. به راستی خداوند، وسعت دهنده و کریم است. در عمل و کار، ضامنِ ثواب است و در مضیقه بودن و تنگنا، ضامنِ غم و اندوه. هیچ مالی حلال نیست جز از راهی که خدا آن را حلال کرده و خمس موجب کمک به ما است بر دین ما، و کمک بر عیالات ما، پیروان ما و آنچه می‌بخشیم و آبرویی که می‌خریم از کسانی که از قهر و زورش می‌ترسیم؛ پس آن را از ما دریغ ندارید و تا می‌توانید خود را از دعای ما محروم نسازید. به راستی که دادن خمس کلیدِ روزیِ شما و مایهٔ پاک شدن گناهان شما و چیزی است که برای روز تنگدستی و بینواییِ خود آماده می‌کنید. مسلمان کسی است که به عهدی که خدا با او کرده است وفا کند. مسلمان آن نیست که

زبان بپذیرد و با دل مخالفت کند. و السلام).^(۱)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

و بار الها! سلام و صلوات تامّ خود را بر محمد و آل محمد، امامان و مهدیین،
ارزانی فرما!

پیش‌گفتار

حق تعالی می‌فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^(۱) (از اموال آن‌ها صدقه‌ای بستان تا آن‌ها را با آن پاک و منزّه سازی، و برای آن‌ها دعا کن زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آن‌ها است، و خداوند شنوا و دانا است).

این آیه با توجه به روایاتی که از آل محمد -صلوات خدا بر همه آن‌ها باد- روایت شده اشاره‌ای در آنچه اشاره به وجوب خمس دارد آمده است.

پیش از هر چیز، عرصه سخن را برای قائم آل محمد -سید احمد الحسن (علیه السلام)- خالی می‌گذارم؛ آنجا که ایشان از برخی امور مرتبط با وجوب خمس، صاحب و حکمت آن و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی سخن می‌گویند. روزی از ایشان سؤال کردم: آیا مقرر کردن سرآغاز سال خمسی به طور کلی واجب است؟ چه مکلف بداند از مخارج سالش چیزی اضافه می‌آید و چه نداند؟

ایشان (علیه السلام) فرمودند: (خداوند توفیقت دهد! خمس، روزانه است. مؤمن خود را هر روز مورد محاسبه قرار می‌دهد اما چون این کار برای مردم مشقت‌آور است و آن‌ها نیز عادت پیدا کرده‌اند که حساب‌های شخصی، مؤسسات و

شرکت‌ها را به صورت سالانه بررسی کنند ما گفتیم سالیانه باشد. پس مؤمن باید در مدتی که حداکثر یک سال است خود را محاسبه کند؛ یعنی او هر سال یک مرتبه خود را مورد محاسبه قرار می‌دهد، اما جایز نیست مدت را بیش از این قرار دهد.

بدان که خمس برای امام است، پس می‌تواند آن را در زمانی ساقط و در زمانی دیگر واجب گرداند و می‌تواند مدتی را تعیین کند که مؤمن خود را در آن مورد محاسبه مالی قرار دهد و به جای محاسبه روزانه، آن را به صورت ماهانه، فصلی، سالانه همان‌طور که در حال حاضر این‌گونه است. و یا به شکل دیگری قرار دهد.

در خمس حکمت‌هایی (نهفته) است از جمله: اگر خدا بخواهد امام حکومت کند، با آن امور عامه مردم و احتیاجات آن‌ها خصوصاً فقیران‌شان را اداره می‌کند. با خمس است که امام می‌تواند بین مردم، مساوات برقرار و در نتیجه فقر و نیازمندی را از فقرا دفع و عدالت را بین مردم محقق کند: ﴿مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾^(۱) (آنچه خداوند از مردم قریه‌ها نصیب فرستاده‌اش کرده است از آن خدا است و از آن پیامبر و خویشاوندان، و از آن یتیمان و مسکینان و در راه‌ماندگان است، تا میان توانگران دست به دست نشود. هر چه فرستاده به شما داد بستانید و از هر چه شما را منع کرد اجتناب کنید

و از خدا بترسید که خدا سخت عقوبت است).

حال اگر سیستم اقتصادی کشورها را بررسی کنید خواهید دید مالیاتی را مقرر می کنند که در بیشتر کشورها تقریباً به اندازه خمس است. در مالیات اجر و پاداشی وجود ندارد و کسی که آن را پرداخت می کند ثوابی ندارد. این کسانی که به خلیفه خدا بر روی زمین کافر هستند و کسانی که به حاکمیت مردم ایمان دارند آن (مالیات) را با اکراه و علی رغم میلشان پرداخت می کنند؛ زیرا دولت‌ها و حکومت‌ها آن‌ها را وادار به پرداخت خمس -تحت عنوان مالیات- می کنند، اما آن‌ها اموال خود را پرداخت می کنند و سپس حسرتی برای آن‌ها خواهد بود، چرا که آن‌را برای برپایی حاکمیت مردم بر روی زمین پرداخت کرده اند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَنْقُوتُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيَنْقُوتُهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾؛^(۱) (کسانی که کفر ورزیدند به راستی که اموالشان را مصرف می کنند تا مردم را از راه خدا بازدارند. پس این‌ها اموالشان را مصرف خواهند کرد و سپس حسرتی برایشان خواهد بود، سپس مغلوب می شوند؛ و کافران به سوی جهنم گرد آورده می شوند).

در حالی که خداوند از سر رحمتش بر مؤمنان واجب کرده که همین اموال -یعنی خمس- را بپردازند و در عین حال برای پرداختش به آن‌ها ثواب می دهد و آن‌ها را پاک می گرداند: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾؛^(۲) (از اموال آن‌ها صدقه‌ای بستان

۱- انفال: ۳۶.

۲- توبه: ۱۰۳.

تا آنها را با آن پاک و منزّه سازی، و برای آنها دعا کن زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آنها است، و خداوند شنوا و دانا است).

انسان می‌تواند همه زندگی خود بر روی این زمین را در طاعت قرار دهد و می‌تواند همه زندگی خود بر روی این زمین را در معصیت قرار دهد، تفاوت این دو فقط در این است که از خلیفه و جانشین خدا پیروی کند یا از وی روی گرداند و سرپیچی نماید.

بدان -خداوند اُستوارت بدارد- خمس در برپایی اقتصاد اسلامی عادلانه بسیار اهمیت دارد. اسلام به نظام سرمایه‌داری یا سوسیالیستی اعتقادی ندارد، بلکه خمس، اقتصاد را در دست شخصی قرار می‌دهد که مطمئناً زاهد، عادل و در اجرایی ساختن آن حکیم است و با این کار:

مواسات و هم‌دردی میان مؤمنان و میان سرزمین‌های مؤمنان در اقتصاد اسلامی تضمین می‌شود؛ پس دیگر سرزمین اسلامی وجود نخواهد داشت که در کمال پرخوری و رفاه باشد در حالی که سرزمینی دیگر وجود داشته باشد، مردمانش از شدت فقر و نیاز آه بکشند و با این کار امور مالی فقرا، ایتام و بیوه‌ها اصلاح می‌شود و دیگر گرسنه و برهنه یا کسی که بی سرپناه باشد باقی نخواهد ماند و این وضعیّت بازتاب مثبتی بر وضع اجتماعی جامعه مسلمان خواهد داشت. پرخوری و فقر، هر دو دارای اثرات اجتماعی منفی هستند. دست کم موجب کاهش اخلاق بزرگ‌منشانه مثل کرم، هم‌دردی و ایثار- و بروز اخلاق پست و زشت مانند فساد جنسی و بخل و دیگر موارد- می‌شود.

دیگر فردِ پُرخوری باقی نخواهد ماند که در پُرخوری اش آسوده و شادمان

باشد در حالی که می‌بیند فقیر یا نیازمندی وجود دارد، پس از اینکه او و تمام جامعه ببینند که شخصی که جانشین خدا در زمینش است اموال خود را - که خمس اموال است - برای مصلحت عامه مردم و مخارج محتاجان انفاق می‌کند و این‌گونه خلیفه خدا با انفاق اموال خمس اسوه‌ای خواهد بود با زهد خویش و دوری از زرق و برق دنیا علی‌رغم داشتن آن - که هر پرخوری را یادآور می‌شود و باعث می‌شود که وی احساس کمبود، قصور و کوچکی کند در حالی که وی در زرق و برق دنیا غرق شده است و در ناز و نعمت زندگی می‌کند. حال آنکه فقیر و محتاجی وجود دارد که از تنگ‌دستی رنج می‌برد؛ و این برای اصلاح اقتصادی مردم بسیار مهم است تا جایگزینی برای پیشوای زشتی در جامعه انسانی باشد همان‌طور که امروز این‌گونه است و همواره در دولت طاغوت چنین بوده است. اینکه ثروتمند و مرفه‌ی که بدون محدودیت و به هر شکلی بر جمع‌آوری اموال حرص می‌ورزد تا آمال و آرزوهای شخصی خود را محقق کند و در نتیجه جامعه به فقیران و ثروتمندان تقسیم شده است و متأسفانه مثل این جامعه به سان سگ‌هایی خواهد بود که بر سر مُرداری به جان هم افتاده‌اند در حالی که قوی از آن پرخوری می‌کند و ضعیف در حالی که از درد گرسنگی زوزه می‌کشد - اطراف آن دُم می‌جنباند.

خلیفه خدا در زمینش، همان‌طور که به عنوان پیشوای دینی، اخلاقی و اجتماعی اهمیت دارد، به عنوان پیشوای اقتصادی که خداوند با او اوضاع مردم را اصلاح می‌کند نیز بسیار اهمیت دارد. پس هنگامی که مردم به او ایمان آورند، وضع اقتصادی‌شان اصلاح خواهد شد. ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا

عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿۱﴾^(۱)

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کرده بودند برکاتی از آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم؛ ولی (فرستادگان) را تکذیب کردند، پس ما نیز به کیفر کردارشان مجازاتشان کردیم). مقصود از این آیه فقط امداد غیبی الهی نیست، بلکه آنچه را که به عنوان سبب طبیعی مادی برای اصلاح اوضاع اقتصادی مردم تقدیم کردم نیز شامل می‌شود؛ یعنی خلیفه و جانشین خدا در زمینش و تصرف و مصرف عادلانه و حکیمانه وی در خمس مالی که ملک شخصی اش است- و اعطای آن، بالاترین تمثیل در زهد و دوری از خوشگذرانی و برآوردن نیاز محتاجان است.

این نکته، محوری اساسی در اقتصاد اسلامی یا الهی و یکی از مهم‌ترین اسباب تفاوت آن با هر اقتصاد پایه‌گذاری شده دیگر است.

اقتصاد اسلامی متمرکز بر خلیفه خدا است و بدون او ممکن نیست چیزی به اسم اقتصاد اسلامی یا الهی - که هدفش محقق کردن عدالت بین مردم باشد- وجود داشته باشد.

این بخشی از آنچه است که ایشان -جانم به فدایش- به اختصار بیان فرمودند و از آنجا که امام از آل محمد (علیهم‌السلام) با توجه به برخی از مواردی که شناختشان وجود دارد- با حلال و حرام شناخته می‌شود- چرا که از حارث بن مغیره نصری روایت شده است: به ابو عبدالله (علیه‌السلام) عرض کردم: صاحب این امر با چه چیزی شناخته می‌شود؟ حضرت فرمود: (با سکینه و وقار). عرض کردم: و با چه ابزاری؟

فرمود: (او را با حلال و حرام می‌شناسی، و اینکه مردم به او نیازمندند و او به احدی نیازمند نیست، و سلاح رسول ﷺ خدا نزد او می‌باشد). گفتیم: آیا او وصی فرزند وصی خواهد بود؟ فرمود: (جز این نخواهد بود که او وصی و فرزند وصی می‌باشد)^(۱) - براساس نور این روش الهی در شناخت امام قائم (علیه السلام) که آل محمد (علیهم السلام) بیانش فرموده‌اند رساله‌ای در فقه خمس و پیوست‌هایش تقدیم به انصار خدا - انصار امام مهدی (علیه السلام) - می‌نمایم که شامل پاسخ‌های مهمی از سید احمد الحسن به مسائل مبتلی به خمس است و محتوای آن، همه از وی صلوات الله علیه گرفته شده و از منابع زیر است:

۱- فصل خمس در کتاب شرایع الاسلام سید احمد الحسن (علیه السلام).

۲- مسایلی که برادران و خواهران انصار، فرستاده و ایشان (علیهم السلام) پاسخ دادند که برخی از آن‌ها در کتاب پاسخ‌های روشنگر مدوّن شده است.
و از آن جهت که ملکیت صلّه امام و انفال نیز به امام (علیه السلام) برمی‌گردد، این موارد را نیز به خمس ضمیمه کرده‌ام.

سرورم احمد الحسن!... اگر آنچه مقدر گشته میان ما و شما جدایی انداخته است و بعد از این همه سالیان متوالی در انتظار شما بودن، روزها همچنان ادامه پیدا کرده‌اند و شما متواری و بی‌خانمان شده‌ای، اما ای پدرم! رحمت تو به حال ما مقصران و اهل خطا و اشتباه در حق شما آل محمد (علیهم السلام) آن چنان زیاد است که دستان ما را گرفته‌ای و به راه مستقیم خدا سوق می‌دهی و حلال و حرام او را برای ما بیان می‌فرمایی تا آن حلقه پاکی به ولایت شما - که خداوند سبحان

میثاقش را از خلق گرفته است- تکمیل گردد.

ای فرزند رسول خدا ﷺ! آنچه را که از شرع خدا از پاسخ‌های سؤال‌هایی که بر شما وارد شده است و شما به‌رغم همه آن قساوتی که از روزگار و اهلش وارد می‌شود- به این سؤال‌ها پاسخ داده‌ای گردآوری کرده‌ام به شما تقدیم می‌کنم، در حالی که این‌طور خواسته شده بود که این شرایع (احکام) غایب باشد همان‌گونه که شما اهل بیت مجبور به غیبت بودید تا علمای بی‌عمل زندگی مردم را با احکامی که به هیچ روی ارتباطی با دین و شرع خدا ندارند مالا مال گردانند. از خداوند سبحان درخواست و تمنا دارم که شما را در زمین برای برپایی دینش و حاکمیتش تمکین دهد! و الحمد لله رب العالمین.

علا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و صلی الله علی محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً
و صلوات تام و تمام خدا بر محمد و آل محمد، ائمه و مهدیین باد!

سخن در فريضة خمس و ضميمه‌های آن در پنج محور خواهد بود:

اول: در واجب بودن خمس.

دوم: در آنچه خمسش واجب است.

سوم: در تقسیم خمس.

چهارم: در اَنْفال.

پنجم: در صلة امام.

مخومر اول:

در واجب بودن خمس

در واجب بودن خمس اشکالی وجود ندارد و خمس واجبی است الهی، مانند واجب بودن نماز، روزه، حج و سایر موارد.

حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ...﴾؛^(۱) (و بدانید که هر گاه چیزی به غنیمت گرفتید خمس آن از آن خدا و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه‌ماندگان است، اگر به خدا ایمان آورده‌اید...).

هیچ کس نمی‌تواند این آیه را فقط مربوط به غنائم جنگ بدانند^(۲) در حالی که

۱- انفال: ۴۱.

۲- همان‌طور که اهل سنت سعی کرده‌اند چنین کنند ولی در عین حال از رسول خدا ﷺ در صحیح روایت می‌کنند که خمس در هر غنیمتی واجب است. ابن کثیر می‌گوید: (و برای همین در صحیحین از عبدالله بن عباس در حدیث قبیلۀ عبدالقیس آمده است که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و سلم به آنان فرمود: (و شما را به چهار چیز امر و از چهار چیز نهی می‌کنم؛ شما را به ایمان به خدا امر می‌کنم سپس فرمود- آیا می‌دانید ایمان به خدا چیست؟ شهادت به اینکه خدایی جز الله نیست و محمد فرستاده خدا است، اقامۀ نماز و دادن زکات و اینکه خمس غنیمت را بپردازید) که ادامه حدیث طولانی است، بنابراین ادای خمس را از جمله ایمان قرار داده است و بخاری بر همین اساس در کتاب صحیح خود بایی را قرار داده و گفته است: باب (ادای خمس از ایمان است). تفسیر ابن کثیر: ج ۲/ ص ۳۲۵.

انسان منصف باید آنچه را که رهبران آنان و سلف (صالح!!!) آنان مثل عثمان در خمس انجام داده‌اند به طور دقیق دنبال کند و از وقاحت، همین برایش کافی است که او خمس ارمنستان را به مروان بن حکم داد، در حالی که همان‌گونه که (بر همگان) پوشیده نیست- او تربیت شده کسی است که از کتاب خدا

فصل الخطاب و سخن نهایی درباره آن، تنها نزد همتای قرآن و بازگوکننده آن می‌باشد و ایشان علیه السلام فرموده‌اند که غنیمت هر آنچه را که انسان به دست آورد و هر سودی را که به دست آورد شامل می‌شود. در صحیحۀ علی بن مهزیار از امام جواد علیه السلام نقل شده است: (اما در مورد غنائم و فواید، بر مردم لازم است که در هر سال خمس آن را بدهند. حق تعالی می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ﴾؛ (و بدانید هرگاه چیزی به غنیمت گرفتید) پس غنایم و فواید -خدا تو را بیامرزد- بهره‌ای است که انسان به چنگ می‌آورد و سودی است که به او می‌رسد).^(۱)

و در فقه رضوی آمده است: (و خداوند بزرگ و بلند مرتبه می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ﴾؛ (و بدانید هرگاه چیزی به غنیمت گرفتید) پس با آن از روی رحمت و منت خود بر ما فضل و کرم فرمود... و هر چه مردم به دست آورند غنیمت به شمار می‌آید، خواه گنج باشد یا معادن یا از غواصی در دریا به دست آید یا اموالی باشد که بدون جنگ از کفار به دست آمده است -که اختلافی در آن نیست- و هر آنچه را که ادعا کرده‌اند خمسی ندارد مثل سود بازرگانی، محصولات کشتزارها و باغ‌ها و دیگر درآمدهای بازرگانی و صنعتی و ارث و چیزهای دیگر- زیرا همه این‌ها غنیمت و سود و بهره محسوب می‌شود).^(۲)

و حق تعالی می‌فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ

هیچ حرفی را نمی‌فهمید.

۱- شیخ طوسی، استبصار: ج ۲/ ص ۶۰/ ح ۱۲.

۲- فقه الرضا: ص ۲۹۳؛ و از جمله: نراقی، مستند الشیعه: ج ۱۰/ ص ۱۰.

عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ»؛^(۱) (از اموال آن‌ها صدقه‌ای بستان تا آن‌ها را با آن پاک و منزّه سازی، و برای آن‌ها دعا کن زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آن‌ها است). پس این آیه نیز در مورد خمس است و عبارت (الصلاه علیهم) یعنی (دعا برای آنان).

امام ابو جعفر جواد (علیه السلام) به علی بن مهزیار نامه‌ای نوشت که از جمله آن است: (... همانا دوستان (شیعیان) من - که از خداوند صلاح آن‌ها را خواهانم - یا برخی از آن‌ها در پرداخت آنچه بر آن‌ها واجب شده است کوتاهی کرده‌اند و من از آن اطلاع پیدا کرده‌ام. پس بر آن شدم تا آن‌ها را با کاری که در خصوص خمس در این سال اجرا کردم پاک و تزکیه نمایم) که حق تعالی می‌فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾؛ (از اموال آن‌ها صدقه‌ای بستان تا آن‌ها را با آن پاک و منزّه سازی، و برای آن‌ها دعا کن زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آن‌ها است، و خداوند شنوا و دانا است).^(۲)

بنابراین خمس به امام معصوم (علیه السلام) و حجّت بر خلق در هر زمان - که اوصیای وی هستند - اختصاص دارد و آنان حق دارند که آن‌ها را هر جا بخواهند قرار دهند (و هر گونه بخواهند مصرف کنند).

عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند که ایشان فرمود: (هر کسی که غنیمت یا درآمدی به دست آورد باید خمسش را به فاطمه (علیها السلام) و هر کسی که

۱- توبه: ۱۰۳.

۲- استبصار شیخ طوسی: ج ۲ ص ۶۰ ص ۱۲.

پس از او از فرزندانش ولیّ امرش و حجّت خدا بر مردم است بپردازد، و این سهم خاص آنان است و در هر جا که بخواهند قرار می‌دهند و صدقه بر آنان حرام شده است؛ حتی اگر خیاطی پیراهنی را به پنج درهم بدوزد یک درهم از آن برای ما خواهد بود مگر اینکه آن را بر شیعیان حلال سازیم تا فرزندان آنان پاک به دنیا آیند.^(۱)

پس معصوم (علیه السلام) به هر شکل که بخواهد خمس را مصرف می‌کند و نیز با وجود آنکه خمس حقّ فرض شده و واجبِ وی از سوی خدا بر بندگان است، می‌تواند آن را برای هر کسی که بخواهد حلال کند و این مطلب را متون بیان کرده‌اند که درصدد برشمردن و ذکر آن‌ها نیستیم و تنها به نقل آنچه در توقیع شریف صادر شده از امام مهدی (علیه السلام) به اسحاق بن یعقوب از طریق سفیر دوّم محمد بن عثمان عمری آمده است - اکتفا می‌کنم؛ به این قرار: (... و اما در مورد آنان که اموال ما را با اموال خودشان درمی‌آمیزند؛ پس هر کس که از آن چیزی را حلال نماید و بخورد، جز این نیست که آتش خورده است، و اما خمس بر شیعیان ما مباح و تا ظهور امر ما بر ایشان حلال شد تا ولادت ایشان پاکیزه باشد و خبیث و آلوده نباشد...)^(۲)

از این توقیع شریف فهمیده می‌شود که جرم و گناه چپاول و حلال کردن اموال آل محمد (علیهم السلام) توسط فقهای گمراه برای عموم بسیار واضح و روشن است. حال چه مصیبت بزرگی خواهد بود اگر انسان بداند که آن‌ها با امام مُغیب خود

۱- وسائل الشیعه (اسلامی): ج ۱۶/ ص ۳۵۱/ ح ۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه: ص ۴۸۵.

(غایب شده توسط دیگران) با ستیز با دعوتش - که با فرستادن وصی و یمانی اش احمد الحسن (علیه السلام) آغاز شده است - آن هم به وسیله اموال امامشان - که ظالمانه برای خود حلال شمرده اند - به نبرد پرداخته اند؟! این در حالی است که صاحب خمس در روز قیامت موقوف و ایستگاهی دارد که در آن حق خود را مطالبه می کند و روز سختی بر انکارکنندگان (کسانی که با وجود دانستن حق، آن را انکار می کنند) و منع کنندگان حق الهی صاحب حق خواهد بود، چه برسد به کسی که آن را به عداوت و دشمنی می خورد!!! محمدبن مسلم از یکی از دو امام باقر و صادق (علیهم السلام) روایت می کند: (سخت ترین شرایط برای مردم در روز قیامت این است که صاحب خمس برخیزد و بگوید: پروردگارا خمس من؟ ما خمس را برای شیعیان مباح ساختیم تا ولادتشان پاک و طاهر گردد).^(۱)

شایسته است مؤمن توجه داشته باشد که پرداختن خمس به اهل معین شده اش سودی است که به خود مؤمن برمی گردد نه به کس دیگر. کدام یک از مؤمنان از تطهیر و تزکیه - طبق نص و متن قرآن با دریافت خمس توسط امام از مؤمن حاصل می شود - بی نیاز است؟ پس این فضل بزرگی از جانب خداوند و منتی از سوی آنان - صلوات و درود خداوند بر آنان - بر ما است.

از اباعبدالله امام صادق (علیه السلام) روایت شده است: (هر کس بیندارد که امام به آنچه در دست مردم است محتاج است وی کافر است، این مردم هستند که نیاز دارند تا امام از آن ها بپذیرد. خداوند عزوجل می فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾؛ (از اموال آن ها صدقه ای بستان تا آن ها را با آن پاک و

منزه سازی).^(۱)

و آنچه از عمل قبیح و کلای مرجعیت فقهای آخرالزمان - که بر کسی پوشیده نیست - ملاحظه شده، شایسته تأمل است. علی‌رغم اینکه دلایل خیانت آنان به دین خدا بسیار و جرم نیز بزرگ است به حدی که سطرهای این مختصر رساله که محدود به توضیح مسایل مهم خمس است آن‌را در بر نمی‌گیرد - ولی من کسی را که از خدا می‌ترسد هوشیار می‌سازم و برای وی به یکی از دلایل فساد اخلاقی در دفاتر مرجعیت و کلای آن‌ها و بعضی از پیروان آنان اشاره‌ای می‌کنم و آن با وضوح کامل - خوردن مال خمس بی هیچ صورت حقّی است. ضریس کناسی از اباعبدالله امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کند که ایشان فرمود: (چگونه زنا بر مردم وارد شده است؟) عرض کردم: نمی‌دانم، فدایت گردم. فرمود: (از راه خمس ما اهل بیت (که نمی‌پردازند) مگر شیعیان پاک ما که خمس برای آن‌ها برای هنگام تولدشان حلال است).^(۲)

و سپاس خدایی که پروردگار جهانیان است، برای نعمت هدایت و ولایت!

۱- کافی: ج ۱/ ص ۵۳۷/ ح ۱.

۲- کافی: ج ۱/ ص ۵۴۶/ ح ۱۶.

مخومر دوّم:

دم آنچه خمسش واجب است

که هفت مورد است:

اول: غنایم

خمس در غنایمی که سپاه مسلمین در دارالحرِب^(۱) بین مسلمانان و کفّار در دستشان قرار گرفته (منقول) و آنچه در دستشان قرار نگرفته است (غیرمنقول) مثل زمین و نظایر آن- واجب می‌باشد -چه این غنیمت اندک باشد یا فراوان- به شرط اینکه:

- آنچه سپاه مسلمین به غنیمت گرفته است از مسلمانی غضب نشده و در دست کافر افتاده باشد، که اگر این گونه باشد به مالک مسلمانش بازگردانده می‌شود.

- آنچه به غنیمت گرفته‌اند مُلک مُعاهد و دیگرانی که محترم‌المال هستند نباشد که در این صورت نیز به وی بازگردانده می‌شود. مُعاهد کسی است که بین وی و مسلمانان عهدی ثبت شده و مکتوب وجود داشته باشد که وی در این حالت (محترم‌الدم) (خونش محترم است و ریخته نمی‌شود) و محترم‌المال (مالش

۱- سرزمین‌هایی که با مسلمانان جنگ و عداوت داشته باشند. (مترجم)

از وی گرفته نمی‌شود) است تا زمانی که آن عهد را نقض نکنند. گذشتن یک سال برای خارج کردن خمس غنیمت در نظر گرفته نمی‌شود و خمس غنیمت به محض به دست آوردن آن واجب می‌گردد.

دوم: معادن

معادنی که انسان مالک است؛ که بر سه نوع می‌باشد:

الف: نرم - یعنی قابل ذوب شدن - مثل طلا، نقره و سرب.

ب: سخت مثل یاقوت، زبرجد و سنگ سرمه.

ج: مایع مثل قیر، نفت و گوگرد.

و در همه این معادن خمس واجب است و گذشت یک سال برای دادن خمس آن در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به محض به دست آوردن آن و کنار گذاشتن هزینه‌ها و آنچه برای استخراج آن معدن و به دست آوردنش مصرف شده است خمسش کنار گذاشته می‌شود. مثلاً اگر ارزش آنچه استخراج شده ۵۰ دینار باشد و برای استخراج آن یا به دست آوردنش ۱۰ دینار مصرف کرده باشد، خمس ۴۰ دینار را کنار می‌گذارد - که ۸ دینار است - و به همین ترتیب.

در اینجا دو سؤال مطرح می‌شود:

اول: آیا نصاب و مقدار معینی برای معدن مثل طلا و نقره - وجود دارد تا

خمس آن کنار گذاشته شود؟

پاسخ: خیر؛ نصاب و مقدار معینی وجود ندارد، خمس هر آنچه که از هزینه به

دست آوردن محصول معدن اضافه تر باشد کنار گذاشته می شود حتی اگر اندک باشد.

دوم: آیا خمس در زیورآلاتی که زن استفاده می کند (مثل طلا، نقره، عقیق و غیره) واجب است؟
پاسخ: آنچه زن برای زینت استفاده می کند خمس ندارد، اما خمس آنچه استفاده نمی شود، واجب است.

سوم: گنجها

خمس گنج، واجب است و گنج، هر مالی است که در زیر خاک اندوخته شده باشد.

خمس گنجی که انسان می یابد تنها بعد از توجه به آنچه در ادامه بیان خواهد شد پرداخت می گردد:

اول: اینکه گنج به بیست دینار (یعنی بیست مثقال طلای ۱۸ عیار) و بیشتر برسد و اگر ارزشش کمتر از این مقدار باشد خمسی نخواهد داشت.

دوم: خمس گنج بعد از کنار گذاشتن هزینه های استخراج مثل حفاری، ابزارآلات و نظایر آن همانند آنچه در بخش معادن ذکر شد- واجب می گردد.

سوم: اثر و نشان اسلام بر گنج پیدا شده نباشد، که اگر این گونه باشد (یعنی نشانی بر آن نباشد) دادن خمسش واجب می شود، چه در سرزمین اسلام پیدا شود و چه در سرزمین جنگ. به عنوان مثالی برای نشان اسلام: اگر مثلاً سکه هایی پیدا کند که بر آنها آیه ای از قرآن یا اسم رمز و نماد اسلامی و مانند آن باشد که

تأکید کند یک اثر اسلامی است.

اگر گنجی (که اثر و نشان اسلام بر آن نباشد) در ملکی که مثلاً زید آن را خریده است یافت شود آن را به فروشنده معرفی می‌کند، اگر آن را شناخت وی به آن سزاوارتر است و اگر آن را نشناخت از آن مشتری خواهد بود مشتری در این مثال زید است. و بر او واجب است خمس آن را کنار گذارد.

اگر بر گنج اثر و نشان اسلام بود، دو حالت دارد:

الف- آن را در زمین موات زمینی بی‌جان و مرده مثل زمین صحرا که خانه یا مزرعه یا عمران و آبادی در آن نباشد. که در سرزمین‌الاسلام باشد پیدا کند، که در این صورت مُلک امام (علیه‌السلام) خواهد بود و به هر کس که آن را استخراج کرده است هزینه استخراج و اجرت بیرون آوردن آن پرداخت می‌شود؛ مثلاً اگر برای بیرون آوردن آن ده دینار هزینه کرده باشد و اجرت بیرون آوردن گنج پنج دینار باشد، پانزده دینار به وی پرداخت و گنج به امام (علیه‌السلام) تحویل داده می‌شود، زیرا وی مالک آن است.

ب- اینکه آن را در ملکی که خریده است بیابد، که در این صورت آن را به فروشنده معرفی می‌کند، اگر آن را شناخت او به آن سزاوارتر است و اگر نشناخت از آن امام (علیه‌السلام) است.

یک مسئله باقی می‌ماند: گنج در زمینی که متعلق به یک شخص و اجاره شده توسط شخص دیگری است پیدا شود و مالک و مستأجر بر سر اختلاف پیدا کنند، در این صورت اگر در ملکیت آن اختلاف پیدا کردند سخن مؤجر

مالک- همراه با قسم وی مورد پذیرش است و اگر در مقدار آن اختلاف پیدا کردند سخن مستأجر مورد قبول است.

آنچه درباره کسی که در زمین خریداری شده گنج پیدا کند بیان کردیم، در مورد حیوانی که خریداری کرده و داخل آن شیء قیمتی بیابد نیز همین احکام جاری است؛ یعنی آنرا به فروشنده معرفی می کند، اگر آنرا شناخت وی به آن سزاوارتر است و اگر نشناخت از آن مشتری است و دادن خمسش بر وی واجب خواهد بود.

اگر ماهی بخرد و داخل آن شیء قیمتی بیاید خمس آنرا خارج می کند و باقی آن از آن خودش است و آنرا به شناسایی فروشنده نمی رساند.

به علاوه خمس گنج باید خارج شود، چه یابنده آن آزاد باشد یا بنده و چه بزرگ و بالغ باشد یا کودک. نهایت امر آن است که اگر کودک آنرا بیابد بر ولی اش واجب است خمسش را خارج کند و گرنه بر خود او هنگامی که بالغ شود دادن خمس واجب خواهد بود. اما در مورد مملوک (بنده) بر مالک وی واجب است خمس گنجی را که یافته است خارج کند.

در پایان: صبر کردن به مدت یک سال برای خارج کردن خمس گنج لازم نیست به همان صورت که در مورد معادن و غنایم ذکر شد. بلکه خمس گنج به محض دست یافتن به آن و توجه به آنچه که در خارج کردن خمس آن بیان شد کنار گذاشته می شود.

چهارم: هر آنچه از دریا با غواصی خارج می‌شود.

مانند جواهر و مروارید و نظایر آن؛ اما وجوب خمس آن مشروط است به اینکه ارزشش به یک دینار (یعنی یک مثقال طلای ۱۸ عیار) و بیشتر برسد، اما اگر ارزشش کمتر از این مقدار باشد خمسی نخواهد داشت.

اگر مقداری مروارید و جواهر بدون غواصی به دست آورد مثلاً با ماشینی آن را استخراج کند- خمسش واجب می‌شود.

در مورد عنبر^(۱) اگر با غواصی استخراج شود و ارزشش به یک دینار یا بیشتر برسد خمس آن واجب می‌شود و گرنه خیر. اگر از سطح آب یا از ساحل گرفته شود حکم معادن در موردش جاری است؛ یعنی بعد از کنار گذاشتن هزینه استخراج و به دست آوردنش خمس آن واجب است؛ حتی اگر مقدارش کم باشد.

در این مورد نیز، دادن خمس، بدون در نظر گرفتن مدت یک سال واجب است، همان گونه که در مسایل گذشته ذکر شد و در آینده نیز خواهد آمد.

۱- (عَنْ ب) (۱). ماده‌ای خوشبو که از شکم نوعی ماهی به همین نام به دست می‌آید. (فرهنگ فارسی معین)، (مترجم).

پنجم: زمینی که اهل ذمه^(۱) از مسلمان خریده است.

اگر یک ذمی -چه یهودی باشد و چه مسیحی- زمینی از مسلمانی بخرد، خمس آن بر ذمی واجب می‌شود؛ خواه این زمین از آنچه که خمس در آن واجب است بوده باشد مثل زمینی که با قهر و سلاح فتح شود- و خواه زمینی باشد که خمس ندارد مثل زمینی که اهلش با تسلیم شدن بر روی آن اسلام آورده‌اند-

ششم: حلال مخلوط شده با حرام

اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و حلال از حرام تشخیص داده نشود، خمس آن واجب می‌شود. اما اگر بتواند آن (حرام) را شناسایی کند و آن را تشخیص دهد و مستحقش را نیز بشناسد، بر او واجب است آنچه را که برده است به مستحق و صاحبش بازگرداند و مال حلال باقی مانده خمس ندارد؛ مگر در آن مقدار که از هزینه سالانه‌اش اضافه بیاید همان‌طور که در مورد هفتم بیان خواهد شد-

هفتم: آنچه از هزینه سالانه اضافه آید، و آنچه به آن ضمیمه می‌شود.

خمس در سودهای تجارت‌ها، صنعت‌ها و زراعت‌ها که از هزینه‌ها و خرجی

۱- (ذمّ) [ع.] غیر مسلمانی که به علت پرداخت جزیه، جان و مالش در پناه اسلام است. (فرهنگ فارسی معین)، (مترجم).

سالانه شخص و خانواده‌اش اضافه آید واجب است. همچنین خمس در آنچه به آن ضمیمه می‌شود از چیزهایی که مازاد بر نیاز هستند مثل خانه یا ماشین، اثاث، لباس و نظایر این‌ها- همان‌گونه که تفصیلش خواهد آمد، واجب است.

چه‌بسا این بند بیشترین مورد مبتلا به خمس برای فرد مؤمن باشد؛ از این رو با توضیح و تفصیل بیشتری بر آن مکشی خواهیم نمود، باشد که سود آن به بندگان مؤمن خدا برسد!

توضیحات و تفصیل در قالب چند محور خواهد که برای سهولت آن‌ها را جدا نموده‌ام؛ و گرنه همان‌طور که پوشیده نیست- ممکن است بین آن‌ها تداخل وجود داشته باشد.

محور اول:

تشریح خمس در آنچه از خرجی سال اضافه آمده است.

شاید کسی بپرسد: آیا خمس در آنچه از خرجی سال اضافه می‌آید در زمان رسول خدا ﷺ وجود داشته است؟

پاسخ: به عنوان تشریح الهی، آری وجود داشت. اما در مقام تطبیق و اجرا بر مسلمانان وجود نداشت و این به دلیل عدم تحمل این حکم توسط مردم بود. پس رسول خدا ﷺ و ائمه علیهم‌السلام برای آنان تخفیف قایل شدند، زیرا خمس از آن امام علیه‌السلام است و او می‌تواند آن‌را از عهده مردم ساقط کند. به روایت زیر توجه کنید که این مطلب را توضیح می‌دهد:

محمّد بن حسن صفار از احمد بن محمّد و عبدالله بن محمّد از علی بن مهزیار نقل کرده است: به ابو جعفر (امام جواد محمّد تقی (علیه السلام)) نامه‌ای نوشته شد و من نامه ایشان (علیه السلام) به او (سؤال کننده) را در راه مکه خواندم که فرموده بود: (... همانا دوستان (شیعیان) من - که از خداوند صلاح آن‌ها را خواهانم - یا برخی از آن‌ها در پرداخت آنچه بر آن‌ها واجب شده است کوتاهی کرده‌اند و من از آن اطلاع پیدا کرده‌ام. پس بر آن شدم آن‌ها را با کاری که در خصوص خمس در این سال اجرا کردم پاک و تزکیه نمایم، که حق تعالی می‌فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^(۱) (از اموال آن‌ها صدقه‌ای بستان تا آن‌ها را با آن پاک و منزّه سازی، و برای آن‌ها دعا کن زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آن‌ها است، و خداوند شنوا و دانا است)... و من آن (خمس) را در هر سال بر آنان واجب نکردم و بر آنان واجب نمی‌کنم مگر زکاتی را که خداوند بر آنان واجب کرده است، و تنها در این سال خمس را بر آنان در طلا و نقره‌ای که یک سال بر آن گذشته باشد واجب می‌گردانم و آن (خمس) را بر کالاها، ظرف‌ها، چهارپایان، خدمت‌گزاران و سودی که از تجارت به دست آورده‌اند و بر خانه و زمین واجب نکردم... این‌ها تخفیفی است از سوی من بر دوستانم و متّی است از من بر آن‌ها؛ زیرا سلطان اموالشان را از آن‌ها به زور می‌گیرد و همچنین به جهت مصایبی که بر آن‌ها وارد می‌شود. اما در مورد غنایم و فواید، (خمس آن) در هر سال بر آنان واجب است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ

فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِلَّذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ
 آمَنْتُمْ بِاللَّهِ... ﴿۱﴾ (و بدانید هر گاه چیزی به غنیمت گرفتید خمس آن از آن خدا
 و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه‌ماندگان است، اگر به خدا
 ایمان آورده‌اید...) و غنایم و فواید -خدا تو را بیامرزد- بهره‌ای است که انسان به
 چنگ می‌آورد و سودی است که به او می‌رسد و جایزه‌ای است که برای انسان
 ارزشمند است و میراثی است بدون اینکه از ناحیه پدر یا فرزند باشد و از راهی
 که گمان نمی‌کرده به او رسیده است، و مانند دشمنی که ریشه کن شود و مالش
 گرفته شود، و مانند مالی که به دست می‌آید و صاحبش مشخص نباشد... ﴿۲﴾.

مخوردوم:

مشخص کردن رأس (ابتدای) سال خمسی

در ابتدا باید بدانیم که گذشتن یک سال همان گونه که گفته گذشت- در
 مواردی که خمس‌شان واجب است به حساب نمی‌آید، ولی پرداخت خمس
 واجب در سودهای تجارت‌ها به جهت مراعات صاحب آن- تا انتهای سال به
 تأخیر انداخته می‌شود. اگر مکلف سودها را برای خرج خود در مدت یک سال
 مصرف نماید و تمام شدند، خمس نه در آن‌ها وجود خواهد داشت و نه در
 سرمایه تجاری، ولی اگر سود از هزینه‌ها اضافه‌تر آمد، هم خمس سود آن داده

۱- انفال: ۴۱.

۲- استبصار- شیخ طوسی: ج/ ۲ ص ۶۰/ ح ۱۲.

می‌شود و هم خمس سرمایه تجارت به همان نسبت - خمسش داده می‌شود، همان‌گونه که توضیح داده خواهد شد. بنابراین بر مؤمن است که ابتدای سال خمسی را معین کند تا به این ترتیب مقدار افزون بر خرجی سال خود را بداند و به دادن خمس مقدار افزون بر نیاز پردازد و این مدتی از ایشان (علیه السلام) بر ما است.

سید احمد الحسن (علیه السلام) فرموده‌اند: (خمس روزانه است؛ یعنی مؤمن هر روز خود را مورد محاسبه قرار می‌دهد اما چون این کار برای مردم مشقت‌آور است و آن‌ها نیز عادت پیدا کرده‌اند خود را به صورت سالانه حساب‌رسی کنند ما گفتیم سالیانه باشد. پس مؤمن باید در مدتی که حداکثر یک سال است خود را محاسبه کند، یعنی او هر سال یک مرتبه خود را مورد محاسبه قرار می‌دهد. اما جایز نیست مدتی را بیش از این قرار دهد. خمس از آن امام است، پس می‌تواند آن را در زمانی ساقط و در زمان دیگری واجب گرداند و می‌تواند مدتی را تعیین کند که مؤمن خود را در آن مورد محاسبه مالی قرار دهد...).

سوره: خمس در مقدار افزون بر نیاز است.

خمس هر مالی که انسان مالکش است و اضافه و افزون بر نیازش باشد واجب خواهد بود و آن مقداری که نیازش را برطرف می‌کند خمسی ندارد. بنابراین اگر شخصی دارای یک خانه باشد خمسی در آن و در اثاثیه استفاده شده آن مثل فرش، وسایل خانگی، تجهیزات الکترونیکی و مانند این‌ها - نخواهد بود. همچنین به لباسی که استفاده شده و وسیله نقلیه‌ای که برای رفت و آمد مورد نیازش است خمسی تعلق نمی‌گیرد. منبع درآمدی که فقط نیازش را بدون مازادی برطرف می‌کند به همین صورت می‌باشد. اما اگر مالک خانه‌ای دیگر یا

زمین یا ماشینی دیگر یا اثاثیه و سایر موارد باشد که به آن‌ها نیازی نداشته باشد، باید خمس آن‌ها را بپردازد.

به‌علاوه فقط یک مرتبه خمس مال افزون بر نیاز، پرداخت می‌شود و اگر تمام آن یا مقداری از آن برای سال دیگر باقی ماند خمسش پرداخت نمی‌شود. حال اگر خمس مالی را پرداخت کرده سپس آن‌را به کسی دیگر داده باشد آیا دریافت کننده نیز باید خمس آن‌را در صورتی که یک سال از آن استفاده نکند- بپردازد؟

پاسخ: بله، دریافت کننده باید خمس مواردی که به دست آورده است را پرداخت کند چه مالک پیشین خمس آن‌ها پرداخت شده باشد، چه پرداخت نشده باشد. به آنچه خمسش پرداخت شده باشد بار دیگر خمس تعلق نمی‌گیرد ولی اگر مالک تغییر کند، مورد جدیدی محسوب شده، ارتباطی به گذشته نخواهد داشت.

پرسش در خصوص برخی موارد از نظر مورد نیاز بودن و استفاده شدن- باقی می‌ماند که در این صورت خمس موارد استفاده شده و مورد نیاز واجب نیست، که اکنون این موارد را همراه با بیان احکام‌شان مطرح می‌نمایم:

۱- آیا یک مرتبه استفاده از شیء مثل پوشیدن لباس یا زیورآلات یا موارد دیگر- سپس کنار گذاشتن آن کفایت می‌کند تا شیء استفاده شده‌ای که مشمول خمس نیست تلقی گردد؟

پاسخ: منظور از استفاده شدن استفاده واقعی است، نه برای فرار از خمس و اشکالی در مورد استفاده قرار دادن- حتی اگر چه یک مرتبه باشد- وجود ندارد و

آن شیءِ مستعمل از خمس مستثنی خواهد بود.

۲- ممکن است انسان به چیزی مثل روانداز و فرش احتیاج داشته باشد ولی به منظور تمیز نگه داشتن ممکن است از آن استفاده نکند تا هنگام آمدن میهمان و موارد نظیر آن، مورد استفاده قرار بگیرد. آیا در صورت عدم استفاده آن شیء در طول یک سال خمس در آن واجب می‌گردد؟

پاسخ: اگر استفاده نشده باشد خمسش واجب است.

۳- آیا فرقی بین اشیاء در مصداق استفاده شدن وجود دارد؛ [مثلاً] ممکن است از مایحتاج مواد غذایی سالانه و یا قسمتی از چیزهایی که مقداری از آنها را استفاده کرده است مانند عطرها، روغن‌ها و بعضی از اشیاء لوکس و تجملی- باقی بماند، آیا برای باقی مانده آن‌ها خمس واجب است؟

و مورد سوم اینکه ممکن است شخصی چیزی داشته باشد که اجزای متعددی داشته باشد و قسمتی از آن را استفاده می‌کند مثلاً مجموعه‌ای از کتاب‌های دوره‌ای یا سیس و سایل- آیا با استفاده از قسمتی از آن‌ها، صفت استفاده شدن بر تمام آن‌ها مصداق پیدا می‌کند؟

پاسخ: با استفاده از قسمتی از آن تمام آن چیز استفاده شده تلقی می‌گردد.

۴- اگر اشیا‌یی که به انسان داده مثل لباس و بعضی وسایل- و این اشیاء استفاده شده باشد (نو نباشد)، آیا پرداخت خمس آن‌ها واجب است؟

پاسخ: واجب نیست.

چهارم: پرداخت خمس منبع درآمد (مغانره، شرکت ... و نظایر آن)

خمس منبع درآمد (تجارت‌خانه، کارخانه، مزرعه یا وسیله نقلیه...) در

صورتی که تولید یا سود آن از نیاز انسان و خرجی سالانه‌اش افزون باشد پرداخت می‌شود؛ به این صورت که از اصل مال به همان نسبت مقدار اضافه، خمس پرداخت می‌شود. مثلاً اگر کارگاه یا مغازه‌ای دارد و دخلی از آن دریافت می‌کند که فقط برای خرجی سال وی کفایت می‌کند آن کارگاه خمسی نخواهد داشت، اما اگر دخل از خرجی سالانه‌اش اضافه آید، از اصل (اصل سرمایه) به اندازه نسبت مقدار اضافه بر خرجی سالانه‌اش خمس پرداخت می‌کند. مثلاً اگر خرجی سال وی ۲ واحد و دخل کارگاه ۴ واحد باشد، خمس نصف اصل (کارگاه) را پرداخت می‌کند. اما در مورد تولید یا سودی که از مغازه یا کارگاه حاصل می‌شود خمس مقداری از آن که از نیاز تا آخر سال افزون می‌آید پرداخت می‌گردد.

پنجم: تعدد منبع درآمد

اگر انسان چند منبع درآمد و محل کسب داشته باشد مثلاً هم مغازه داشته باشد و هم حقوق ماهانه و به همین ترتیب موارد دیگر- و بخواهد خمس پرداخت کند، خمس وی چگونه خواهد بود؟

پاسخ: کسی که برای بار اول می‌خواهد خمس بپردازد و بیش از یک منبع درآمد دارد می‌تواند یک منبع درآمد را انتخاب کند تا از خمس مستثنی باشد (یعنی سرمایه را به آن منبع نسبت بدهد) که در این صورت اگر به اندازه نیاز وی باشد خمسی به آن تعلق نمی‌گیرد و اگر از مقدار نیازش بیشتر باشد از اصل آن سرمایه به نسبت مقدار اضافی همان‌گونه که گفته شد- خمس پرداخت می‌شود

و در مورد بهره آن منبع درآمد که از هزینه سالانه اش افزون آمده است، خمس آن را هنگام حلول سال خمسی جدا می کند.

اما در مورد سایر منابع درآمدش، خمس آن‌ها واجب است و هیچ منبع درآمدی منبع درآمد دیگر را از خمس مستثنی نمی کند. بنابراین اگر کنار منابع درآمدش حقوق ماهانه‌ای داشته باشد که وی را کفایت کند خمس آنچه را که در رأس سال خمسی اش اضافه آمده است جدا می کند.

در اغلب موارد تعدد منابع درآمدی، واضح و روشن است و انسان می تواند آن‌ها را از یکدیگر جدا کند، ولی ممکن است برخی امور بر وی مشتبه گردد. مثلاً اگر شخصی زمین زراعی دارد که در آن تعدادی درخت نخل وجود دارد و موتور آبی نیز در آنجا هست که زمین زراعتی را آبیاری کند و به پرورش برخی دام‌ها مثل گاو- نیز در آن زمین مبادرت ورزد، آیا همه این‌ها یک منبع درآمد به حساب می آیند یا چند منبع درآمد؟

پاسخ: زمین، نخلستان و موتور آبیاری، یک منبع درآمد و گاوها منبع درآمد دیگری به حساب می آیند.

به علاوه در خصوص مواردی که جدا کردن آن‌ها برای مکلف از نظر متعدد یا یکی بودن منبع درآمد روشن و واضح نباشد چیزی بر عهده مؤمن نیست مگر اینکه درباره آن‌ها از امام (علیه السلام) سؤال کند تا از سوی وی مشخص گردند، و خدا را برای نعمت‌هایش شاکریم.

ششم: حقوق کارمندان

در مورد کارمندی که حقوقش وی را کفایت می کند گفته شد: اگر از

خرجی سال وی هنگام حلول سال خمسی اش مقداری افزون آید، خمسش واجب است وگرنه خمسی نخواهد داشت.

حال اگر از شرکتی که در آن کار می‌کند پاداش سالیانه دریافت کند، باید خمس آن یا مقداری از آن که هنگام حلول سال خمسی نه هنگام دریافت آن - باقی مانده است را، بپردازد. به همین صورت در مورد هدیه غیر نقدی اگر در رأس سال از آن استفاده نکرده باشد، خمس آن را پرداخت می‌کند.

در اینجا دو پرسش مطرح می‌شود:

اول: اگر کارمندی حقوقش را به فاصله خیلی کمی پیش از رأس سال خمسی مثلاً یک روز پیش از آن - دریافت کند و این حقوق منبع درآمدش باشد، آیا حقوقی که گرفته است - یا مقدار باقی مانده آن - افزون بر هزینه سالانه وی به حساب می‌آید و نیز خمس آن واجب خواهد بود؟

پاسخ: خمس آن واجب است.

دوم: کارمندی که زمان حقوقش فرا رسیده و شخص دیگری آن را به جای وی دریافت کرده ولی آن را به دست وی نرسانده و آن را پس از رأس سال خمسی اش به او رسانده است، آیا خمس آن واجب است؟ مثلاً اگر رأس سال خمسی اش روز دهم رمضان باشد و دریافت حقوقش روز هشتم ماه رمضان است ولی به دست وی نرسیده و پس از آن به دستش رسیده باشد.

پاسخ: خمس آن واجب است.

هفتم: پول پس انداز شده برای ازدواج، حج یا خرید مسکن

گاهی برخی مردم مبلغی را به منظور خرید مسکن جمع و برای این منظور - شروع به پس انداز آنچه از نیاز سالیانه خود اضافه می آید، می کنند.

چنین اشخاصی باید مبلغ جمع آوری شده را در صورتی که قبلاً خمسش را پرداخت نکرده اند - پرداخت کنند و این در صورتی است که موعد رأس سال خمسش فرا رسیده و با آن مسکنی خریداری نکرده باشد.

اگر مبلغ جمع آوری شده به قصد ازدواج یا حج باشد نیز وضعیت به همین صورت است؛ بنابراین اگر رأس سال خمسش فرا برسد و ازدواج نکرده یا به حج نرفته باشد، بر او واجب است خمس مبلغی را که جمع کرده است بپردازد.

در زمانه ما در برخی کشورها به این صورت مرسوم شده است که شخصی که خواهان ثبت نام خود برای رفتن به حج است مبلغی در بانکها به ودیعه می گذارد و این به عنوان شرطی از سوی سازمان حج در آن کشور برای ثبت نام شخص مقرر می شود و اعزام وی پس از دو یا سه سال و شاید بیشتر صورت گیرد و به طور قطع بر مبلغ به ودیعه گذاشته شده سال خواهد گذشت در حالی که این مبلغ هنوز استفاده نشده است. آیا خمس آن واجب است؟

پاسخ: خمس آن واجب نیست.

هشتم: خمس آنچه در اختیار نباشد، و مضیقه و تنگنای مالی

ممکن است انسان مالی داشته باشد ولی آن مال در اختیارش نباشد مثلاً آنرا به شخص دیگری قرض دهد یا در بانک به ودیعه بگذارد و حق برداشت از آنرا نداشته باشد - آیا در مورد چنین مالی خمس واجب است؟ و چگونه؟

پاسخ: خمس آن واجب نیست تا هنگامی که خود شخص یا وکیلش آنرا

تحويل بگیرد.

در مورد قرض گرفتن، اگر انسان مالی را برای برطرف کردن نیاز خود پیش از رأس سال خمسی اش قرض کند و همچنان این مال قرض گرفته شده یا مقدار باقی مانده آن- در اختیار وی باشد، سپس رأس سال خمسی اش فرا برسد، آیا خمس شامل آن می‌شود؟

پاسخ: اگر بر ذمه انسان دینی باشد، خمسی در مالی که مالکش است وجود نخواهد داشت مگر آن مقدار که از مقدار دینی که بر ذمه دارد افزون باشد. به عنوان مثال: اگر قرضی به ارزش ۱۰۰ واحد بر ذمه اش باشد و ۱۵۰ واحد در اختیار داشته باشد فقط خمس ۵۰ واحد محاسبه می‌گردد.

و به طور کلی آیا قرض گرفتن توسط انسان بر تعلق گرفتن خمس به مالش تأثیر می‌گذارد؟

پاسخ: بله همان‌طور که در مسأله پیشین روشن شد- تأثیر می‌گذارد.

اگر در تنگنای مالی باشد و رأس سال خمسی اش فرا برسد ولی مواد غذایی و موارد دیگری که در منزلش است اضافه بیاید، آیا این تنگنای مالی باعث می‌شود که خمس از موارد ذکر شده که غیرنقدی است و از مخارج سالانه اش اضافه آمده است، برداشته شود؟

پاسخ: اگر مقصود از تنگنای مالی عدم وجود اموال اضافی و فقط وجود مواد غذایی اضافی است، خمس مواد غذایی که نزد خود دارد را جدا می‌کند. خمس، عبادتی است مثل روزه و نماز و وسیله‌ای است برای طهارت و پاکیزگی روح، و حقّ تعالی می‌فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تَزَكِّيهِمْ بِهَا وَ

صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛^(۱) (از اموال آنها صدقه‌ای بستان تا آنها را با آن پاک و منزه سازی، و برای آنها دعا کن زیرا دعای تو مایه آرامشی برای آنها است، و خداوند شنوا و دانا است). و مهم نیست (این مقدار اضافی) اندک باشد یا بسیار؛ چه بسا درهمی از کسی که پنج درهم دارد اجر و ثواب بیشتری از هزار درهم از کسی که پنج هزار درهم دارد داشته باشد. به‌طورکلی پرداخت خمس و زکات عواملی برای افزایش روزی هستند. مؤمن چه می‌داند، شاید پرداخت خمس یا زکات عاملی شود که خداوند روزی‌اش را وسعت بخشد!

نهم: اموال کودکان

واضح است که کودک در خمس و دیگر تکالیف شرعی مکلف نیست، ولی حق مالکیت دارد و به مال وی خمس تعلق می‌گیرد. بنابراین خمس بر کودک واجب نیست ولی به مالش تعلق می‌گیرد؛ پس بر ولی (سرپرست) واجب است که خمس را از مال کودک نابالغ جدا کند، در غیر این صورت هنگامی که کودک بالغ شود، خمس مالش را پرداخت می‌کند. به این ترتیب حکم مال کودک که حساب پس‌انداز در بانک دارد مشخص می‌گردد.

مخوم سور:

در تقسیم خمس

خمس به شش قسمت تقسیم می‌شود^(۱) سه قسمت از آن‌ها برای پیامبر ﷺ است که عبارت‌اند از: سهم خدا، سهم رسولش و سهم ذی‌القربی که امام علی (ع) می‌باشد. سلیم بن قیس می‌گوید: شنیدم امیرالمؤمنین (ع) فرمود: **(به خدا سوگند! ما همان مقصود خداوند از ذی‌القربی هستیم؛ همان کسانی که خداوند آنان را با خود و نبی خود قرین ساخته و فرموده است: ﴿مَا آفَاءَ اللَّهِ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَأَبْنِ السَّبِيلِ﴾؛^(۲) (آنچه خداوند از مردم قریه‌ها، نصیب فرستاده‌اش کرده است از آن خدا است و از آن پیامبر و خویشاوندان، و از آن یتیمان و مسکینان). یعنی به طور خاص از ما و برای ما سهمی در صدقه قرار نداد، بلکه خداوند پیامبرش و ما را گرامی داشت**

۱- بنده صالح موسی بن جعفر (ع) می‌فرماید: (... و خمس بین آنان بر شش قسمت تقسیم می‌شود: یک سهم برای خدا، سهم دیگر برای رسول خدا ﷺ، سهم سوم برای ذی‌القربی، سهم چهارم برای یتیمان، سهم پنجم برای مساکین و سهم ششم برای در راه ماندگان است. سهم خدا و رسول ارثی برای اولی‌الامر بعد از رسول خدا است، پس برای اولی‌الامر سه سهم است که دو سهم ارث، و یک سهم سهمی است که خدا برای او معین و مقرر نموده است. بنابراین نصف کامل خمس برای اولی‌الامر است و نصف دیگر برای اهل بیت ایشان است که یک سهم برای یتیمان آنان، یک سهم برای مسکین‌های‌شان، و سهم سوم نیز برای در راه ماندگان آنان است...). کافی: ج ۱/ ص ۵۳۹/ ح ۴.

تا از چرک‌های آنچه در دست مردم است به ما نخوراند.^(۱) اگر امام بمیرد این سهم‌های سه‌گانه از آن امامی خواهد بود که جانشین وی می‌گردد.

آنچه پیامبر ﷺ یا امام دریافت کرده است با مرگش به وارثش منتقل می‌شود؛ از این رو آنچه از زمین فدک که در اختیار حضرت فاطمه (علیها السلام) بود متعلق به خودش بود، زیرا پیامبر ﷺ نه تنها آن‌را در زمان حیاتش ستانده بود، بلکه آن‌را به وی نیز بخشیده بود و ممانعت آن‌ها در گذشته، بی هیچ تفاوتی همانند ممانعت فقهای خائن و غصب‌حق آل محمد (علیهم السلام) در زمان فعلی است.

این در خصوص سه قسمت اول بود. اما سه قسمت باقی مانده متعلق است به ایتام، مساکین و در راه ماندگان. در این گروه‌های سه‌گانه موارد زیر در نظر گرفته می‌شوند:

۱- انتساب آن‌ها از سوی پدر به عبدالمطلب. اگر انتساب آن‌ها از طرف مادر باشد چیزی از خمس به آن‌ها داده نمی‌شود.

۲- نیاز و احتیاج. در مورد مسکین که وضعیتش روشن است - او کسی است که به هیچ وجه خرجی ندارد- و در مورد یتیم، فقیر بودن در نظر گرفته می‌شود و کسی است که خرجی دارد ولی کفایتش نمی‌کند. اما در مورد در راه مانده، ویژگی فقیر بودن در نظر گرفته نمی‌شود بلکه نیاز و احتیاج در سرزمینی که خمس به وی داده می‌شود در نظر گرفته می‌شود اگرچه در سرزمین خود توانا و ثروتمند باشد.

۳- ایمان به خدا و رسول برگزیده وی (صلی الله علیه و آله) و خاندان پاک ایشان ائمه و مهدیین (علیهم السلام) در مورد مستحق (خمس) در نظر گرفته می‌شود، ولی عادل بودن در نظر گرفته نمی‌شود.

حال که واضح شد سهمی برای سادات بنی‌هاشم وجود دارد، یک پرسش مطرح می‌شود: چرا امیر مؤمنان (علیه السلام) آن‌را به برادرش عقیل در آن واقعه معروف نداد، بلکه طبق فهم کوتاه و سطحی- به وی به اندازه‌ای که به مردم داده بود پرداخت کرد؟

پاسخ: قطعاً اهل بیت امام یا سادات، خانواده امام هستند و امام علی (علیه السلام) در حق عقیل کوتاهی نکرد- ایشان (از چنین نسبتی) منزّه است- و حَقّش را قطعاً به او داده بود، ولی عقیل به اندازه‌ای مال می‌خواست که با آن توانمند و ثروتمند شود و به آن مقدار که موجب کفاف و بی‌نیازی‌اش شود راضی نبود و امیر مؤمنان (علیه السلام) از برآوردن چنین درخواستی امتناع ورزید.

چند نکته:

اول: مستحقّ خمس در این گروه‌های سه‌گانه (مسکین، یتیم و در راه مانده) فرد مؤمن از فرزندان عبدالمطلب است و آن‌ها عبارتند از: مذکر و مؤنث از فرزندان ابوطالب، عباس، حارث و ابولهب، و از بین آن‌ها فرزندان ابوطالب مقدم هستند و از میان فرزندان ابوطالب فرزندان علی و فاطمه (علیهم السلام) و از بین فرزندان علی و فاطمه، فرزندان محمدبن الحسن المهدی (علیه السلام) مقدم هستند.

دوم: شمول و فراگیری هر گروه از این گروه‌های سه‌گانه هنگام اعطای خمس واجب نیست، بلکه می‌تواند به اعطای یک نفر از هر گروه اکتفا کند و نیز جایز است یک گروه را به خمس مختص کند. مثلاً فقط ایتام یا مساکین را

برگزینند.

سوم: امام از مال خمس به اندازه کافی بیا میانه‌روی- بین سه گروه تقسیم می‌کند و اگر مقداری از آن اضافه آمد ملک امام خواهد بود و اگر کم آمد از سهم خود جبران خواهد کرد.

چهارم: مکلف جایز نیست خمس را با وجود مستحق در سرزمین خود به سرزمین دیگری منتقل کند و اگر چنین کند و آن مال از بین رود، مکلف ضامن خواهد بود و باید دوباره آن را پرداخت کند. در صورت نبودن مستحق در سرزمینش منتقل کردن آن جایز است. همه این‌ها بعد از اذن و اجازه امام (علیه السلام) به خارج کردن و پرداخت خمس جایز خواهد بود و گرنه مال به وی تحویل می‌شود، همان‌گونه که در ادامه روشن خواهد شد.

خاتمه: خارج کردن خمس و تحویل آن

پس از اینکه مقداری درباره خمس دانستیم، حال می‌خواهیم حق را به سلامت به صاحبش برسانیم و ذمه خود را با توفیق و فضل خداوند بری کنیم. پیش از هر چیز می‌خواهیم بدانیم اگر خمس به چیزی تعلق گرفت، آیا می‌توان به جای آن مبلغ معادلش را کنار گذاشت؟ به علاوه کدام قیمت برای آن شیء در نظر گرفته می‌شود؟ آیا قیمت آن هنگام خرید یا هنگام کنار گذاشتن خمس آن؟

پاسخ: می‌توان مبلغ معادل آن را کنار گذاشت و این مبلغ هنگام خارج کردن

خمس محاسبه می‌شود.

به علاوه آیا امکان دارد مکلف خمس را به دو نصف تقسیم کند، سپس خودش بدون اجازه امام آن را به یتیم، مسکین و در راه مانده بدهد یا باید همه خمس خود را به امام تسلیم کند؟

پاسخ: خمس به امام (علیه السلام) تحویل داده می‌شود و او آن را هر جا بخواهد مصرف می‌کند. آری، گاهی امام به مکلف اجازه می‌دهد خود او به طور مستقیم خمس را به مستحقش بدهد.^(۱)

از آنجا که خمس از آن معصوم (علیه السلام) است، کسی نمی‌تواند بی آنکه از سوی امام اجازه دریافت آن را به جای وی داشته باشد، این حق (خمس) را از دیگران تحویل بگیرد و اگر با اجازه امام آن را تحویل بگیرد، بر وی واجب خواهد بود که آن را به امام برساند یا طبق خواسته امام (علیه السلام) در آن دخل و تصرف کند و در صورت از بین رفتن آن ضمانتی بر عهده وی نخواهد بود مگر اینکه افراط کرده باشد.

اگر کسی بدون اجازه (امام) آن را دریافت کند، گناه کرده و اگر از بین برود ضامن است و بر وی واجب است آن را به امام تحویل دهد. در مورد کسی که خمس را پرداخت کرده است تکلیف از عهده وی ساقط نمی‌شود مگر اینکه آن را به امام (علیه السلام) یا کسی که امام (علیه السلام) او را مکلف کرده است بدهد یا امام (علیه السلام) تکلیف را از وی ساقط کند.

اگر شخصی در رساندن خمس بدون اینکه هدفش دریافت از دیگران باشد-

۱- همانند چنین موردی اتفاق افتاد و امام (علیه السلام) به برخی از مؤمنان اجازه داد تا پرسشگر خمس را برای محتاجان شهر خود صرف کند؛ به پیوست ۲ مراجعه شود.

واسطه شود و تنها فقط تحویل دهنده به امام یا کسی که امام به وی اجازه دریافت به جای وی را داده است باشد، آیا این کار جایز است؟ و اگر مالی که در دست وی است از بین رود چه خواهد شد؟

پاسخ: جایز است و اگر بدون تقصیر و کوتاهی در دست وی تلف شود ضمانت آن بر عهدهٔ وی نخواهد بود.

همین حکم در مورد صلّه نیز صدق می‌کند. صلّه نیز مالِ امام و وضعیّتش از این نظر همانند خمس است.

مخبر چهارم:

در افعال

انفال به خمس ضمیمه می شود. ابوصباح می گوید: ابو عبدالله امام صادق علیه السلام به من فرمود: (ما همان کسانی هستیم که خداوند اطاعت از ما را واجب ساخته و انفال و برگزیده اموال از آن ما است).^(۱)

انفال عبارت‌اند از: آنچه امام علیه السلام از اموال به طور ویژه مستحقش است، همان گونه که در مورد پیامبر صلی الله علیه و آله این گونه بود و شامل پنج مورد است:

- ۱- زمینی که بدون جنگ به ملکیت درآید؛ چه اهل آن از آن‌جا مهاجرت کرده یا با فرمان‌برداری آن‌را تسلیم مسلمانان کرده باشند.
- ۲- زمین‌های موات:^(۲) چه پیش‌تر مالک داشته باشد و سپس اهل آن از بین رفته باشند و چه کسی اصلاً مالک آن‌ها نبوده نباشد، مثل صحراها.
- ۳- سواحل دریاها، و کناره رودهای بزرگ نیز به آن ضمیمه می‌شود.
- ۴- بلندای کوه‌ها و قلّه‌ها و آنچه در آنجا قرار دارد، مثل درختان، معادن و شبیه به این‌ها.
- ۵- درون درّه‌ها و تالاب‌ها.

۱- کافی: ج ۱/ ص ۵۴۶/ ح ۱۷.

۲- زمین موات: زمینی است که از عمران و آبادی خالی است و مالک فعلی ندارد مثل صحراها.

اگر دار حربی^(۱) - که اهل آن، جنگ خود علیه امام و مسلمانان را ابراز کرده‌اند - فتح شود اموالی که فرمانروای آنان برای خود گرفته و برگزیده بود لاگر از مسلمان یا معاهدی غصب نشده باشد - از آن امام خواهد بود وگرنه به مالک مسلمان یا معاهد آن برگردانده خواهد شد.

به همین ترتیب امام (علیه السلام) می‌تواند از غنیمتی که مسلمانان به دست آورده‌اند هر آنچه را که بخواید از اسب، لباس، کنیز یا سایر موارد - برگزیند و تصاحب کند، و آنچه جنگجویان بدون اذن وی به غنیمت بگیرند از آن وی خواهد بود. دخل و تصرف در انفال بدون اجازه وی (امام) جایز نیست و اگر کسی در آن دخل و تصرف کند غاصب و اگر منفعتی به وی برسد از آن امام (علیه السلام) خواهد بود؛ مثلاً اگر در زمین مواتی سرمایه‌گذاری کند و در آن کشت کند، هر ثمره و بهره‌ای که از آن حاصل شود از آن امام (علیه السلام) خواهد بود نه کشاورز.

۱- سرزمینی که با مسلمانان جنگ و عداوت داشته باشد. (مترجم)

مخبر پنجم:

در صله امام عليه السلام

صله امام همان طور که خدای سبحان وعده داده است- راه الهی بزرگ و آسانی برای آموزش تمام گناهان است. حق تعالی می فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللهُ يَقْبِضُ وَيَسْطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾؛^(۱) (کیست که به خدا قرض نیکو دهد تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟ خدا تنگ دستی دهد و توان گری بخشد و شما به سوی او باز می گردید) و نیز می فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾؛^(۲) (کیست که خدا را قرضی نیکو دهد تا برای او دو چندانش کند و او را پاداش نیکو باشد؟). از اهل بیت عليهم السلام در بیان قرضی که خداوند سبحان آن را دو چندان می کند نقل شده است که آن قرض (صله امام) است. اسحاق بن عمار از ابوابراهیم امام موسی بن جعفر عليه السلام نقل می کند: از ایشان درباره فرموده خدای عزوجل: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾؛ (کیست که خدا را قرضی نیکو دهد تا برای او دو چندانش کند و او را پاداش نیکو باشد؟) پرسیدم، ایشان عليه السلام فرمود: (درباره صله امام نازل شده است).^(۳)

۱- بقره: ۲۴۵.

۲- حدید: ۱۱.

۳- کافی: ج ۱/ ص ۵۳۷/ ح ۴.

اگرچه صلۀ امام (علیه السلام) با عمل و با مال برای اثبات حقّ وی محقق می‌شود و هیچ شکی در این نیست که عمل از دادن مال برتر است زیرا متحمل خستگی و فرسودگی شدیدی برای جسم است و چه بسا به گذشتن از جان هم بینجامد. اما در اینجا به صلۀ با مال از نقطه نظر تناسب داشتن ضمیمه شدن آن به خمس می‌نگریم، از این وجه اشتراک که هر دو (خمس و صلۀ) مالی هستند که مخصوص امام (علیه السلام) می‌باشند.

خیبری و یونس بن ظبیان می‌گویند: شنیدیم اباعبدالله امام صادق (علیه السلام) می‌فرمود: (هیچ چیزی در نظر خدا محبوب‌تر از رساندن درهم‌ها به امام نیست. همانا خداوند در بهشت درهم را برای وی هم چون کوه اُحد قرار می‌دهد. حق تعالی در کتابش می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يقرضُ اللهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً﴾ (کیست که به خدا قرض نیکو دهد تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟) می‌فرمود: (به خدا قسم این قرض به طور خاص صلۀ امام است).^(۱)

بنابراین خداوند سبحان و متعال از صلۀ امام به عنوان قرضی به خودش یاد می‌کند و خود او آن را بازپس می‌دهد و بازگرداندن آن از سوی او با تشکر و سپاس‌گزاری از آن بنده توسط خدا خواهد بود؛ زیرا وی بنده‌ای است که نعمت خدا را، با ولیّش و حجتش را شکر نموده و به همراه وی برای آخرت نهایت کوشش را انجام داده است.^(۲)

سید احمد الحسن (علیه السلام) می‌فرماید:

۱- کافی: ج ۱/ ص ۵۳۷/ ح ۲.

۲- به پیوست ۳ مراجعه کنید.

بنابراین چه رحمت عظیمی است که حجت بین مردم (ظاهر) باشد؛ چرا که باب عظیمی گشوده می‌شود، بابی که انسان با صلۀ امام (علیه السلام) به خداوند قرض می‌دهد و روز قیامت در پیشگاه خدا می‌ایستد و خداوند این قرض را تمام و کمال به او بازمی‌گرداند و اگر این بنده به تعداد شن‌های بیابان با خود گناه آورده باشد، برای او بخشیده می‌شود. از برای او نزد خداوند دَیَّانِ یومِ الدِّینِ، قرضی است و خدا در مقابل اندک و ناچیز بسیار عطا می‌نماید. (يُعْطَى الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ) و عطای او بی‌شمار است. خداوند تمام بدهی‌های این بنده و تمام حقوقی که از بندگان بر عهده او بوده است را تسویه می‌کند و بی‌حساب به بهشت واردش می‌نماید.^(۱)

این (تنها) بخشی از فضیلت «صلۀ امام» بود و «صلۀ امام» عملی است که در هر زمانی به آن ترغیب و سفارش شده است -چه اندک باشد و چه بسیار- و فضیلت آن نزد خدا همان‌گونه که دیدیم- عظیم است؛ البته واجب آن، اعطای صلۀ امام هنگام حضور در نماز جمعه است.

به علاوه بی‌شک؛ صلۀ، مالی مختص امام است همانند خمس- که آن را هر کجا بخواهد قرار می‌دهد. از این نظر، آنچه در خاتمۀ خمس دربارهٔ تحویل آن و کسی که حق تحویل گرفتن را دارد بیان کردیم، بی‌هیچ اختلافی شامل این مورد نیز می‌گردد.

* * *

این آخرین مطلبی بود که در این رساله مختصر و کوتاه نگاشته شد.

و آخر دعوانا أن

الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمه و المهديين و
سلم تسليمًا

و نهایت دعای ما اینکه

سپاس و ستایش تنها از آن خداوند، آن پروردگار جهانیان است و صلوات تام
و تمام خدا بر محمد و آل محمد، ائمه و مهدیین باد!

اول شعبان المعظم ۱۴۳۱ هـ ق

۲۲ تیر ۱۳۸۹ هـ ش

پیوست اول

متن کتاب خمس امر کتاب احکام نورانی اسلام

کتاب خمس

که مُشتمل بر دو فصل است:

فصل اول:

آنچه به آن خمس تعلق می‌گیرد

که شامل هفت مورد است:

اول: غنایه جنگی

هر آنچه لشکر تصاحبش می‌کند، چه آن را قبض کرده باشد (مانند سلاح دشمن و...) یا نه (مانند زمین یا غیر آن)، که البته از مسلمان یا هم‌پیمان‌های مسلمین غصب نشده باشد، و فرقی ندارد غنایم کم باشند یا زیاد.

دوم: معادن

فرقی ندارد فلزی باشند مثل طلا و نقره و سرب- یا غیرفلزی مثل یاقوت و زبرجد و سرمه- یا اینکه مایع باشند مثل قیر و نفت و گوگرد- در مورد معدن، مقدار خمس پس از کم کردن هزینه‌ها محاسبه می‌شود.

سوم: گنج

گنج شامل هر مالی می‌شود که زیر زمین ذخیره شده باشد؛ پس اگر ارزش آن بالغ بر بیست دینار شد و در سرزمین دشمن باشد یا اگر در سرزمین اسلامی پیدا شود و اثری از اسلام در آن نباشد، در این صورت خمس بر آن واجب است.

چنانچه در ملکی که خریداری کرده است گنجی پیدا کند به فروشنده می‌گوید، اگر آن را شناخت پس مال او است، اما اگر آن را نشناخت، متعلق به مشتری خواهد بود و باید خمسش را بپردازد.

اگر حیوانی بخرد و در شکمش چیزی قیمتی پیدا کند نیز به همین صورت خواهد بود؛^(۱) البته اگر ماهی بخرد و درون شکم ماهی چیزی بیابد خمسش را می‌پردازد و باقیمانده، مال خودش خواهد بود و نیازی نیست برای شناسایی آن شیء به کسی مراجعه کند.

نکته:

اگر گنجی در زمین موات در سرزمین اسلامی پیدا شود و بر رویش

۱- باید به فروشنده بگوید و اگر مال فروشنده نبود، می‌تواند آن را تصاحب کند. (مترجم)

نشانه‌ای از اسلام باشد حقّ امام است و کسی که آنرا استخراج کرده هزینه و اجرت استخراج را دریافت می‌کند؛ و اگر آنرا در ملکی که خریده است پیدا کند به فروشنده می‌گوید اگر آنرا شناخت، مال او است، و اگر شناخت حقّ امام است.

چهارم:

هر چیزی که با غواصی یا بدون غواصی (مثلاً با کمک وسیله‌ای) از دریا استخراج شود مانند جواهر و مروارید- اگر قیمتش یک دینار یا بیشتر باشد، خمس دارد.

نکته:

عنبر^(۱) اگر با غواصی به دست آید وقتی یک دینار یا بیشتر باشد خمس دارد اما اگر از روی سطح آب یا ساحل گرفته شود حکم معدن را خواهد داشت.^(۲)

پنجم:

آنچه از سود تجارت، تولیدات و کشاورزی (که انجام داده است) از هزینه سالانه او و خانواده‌اش اضافه بیاید.

۱- نوعی گیاه در زمین دریا یا نوعی عطر. (مترجم)

۲- یعنی بعد از کم کردن هزینه‌ها، خمس محاسبه می‌شود. (مترجم)

ششم:

هنگامی که ذمی^(۱) از مسلمانی زمینی بخرد پرداخت خمس آن بر ذمی واجب می‌شود، چه زمینی باشد که در آن خمس واجب است مانند زمینی که به وسیله جنگ تصرف شده باشد- یا واجب نباشد همانند زمینی که مردمش خودشان مسلمان شده باشند-.

هفتم:

حلال وقتی با حرام مخلوط شده باشد و نتوان آن‌ها را از هم جدا کرد، خمس آن واجب می‌گردد.

نکات:

اول: خمس گنج و معادن و آنچه با غواصی از دریا گرفته شده باشد واجب است، فرقی ندارد یابنده‌اش آزاد باشد یا بنده، کودک باشد یا بزرگسال.
دوم: در هیچ یک از مواردی که خمس در آن‌ها واجب است (برای پرداخت خمس) گذشتن یک سال بر آن مال شرط نیست، فقط خمس واجب شده در

۱- کافران دو گروه‌اند: اهل کتاب (کتابی) و غیر اهل کتاب. غیر اهل کتاب، راهی جز پذیرش اسلام ندارند، اما اهل کتاب سه راه پیش رو دارند: پذیرش اسلام، جنگ، و التزام به شرایط ذمه. به کسانی که راه سوم را انتخاب کنند و به شرایط ذمه ملتزم شوند، اهل ذمه یا ذمی گفته می‌شود، و حکومت اسلامی در قبال تعهد ایشان به شرایط ذمه، متعهد است از آنان به عنوان شهروند حمایت کند و هیچ مسلمانی حق تعرض به آنان را ندارد. (مترجم)

سود تجارت شده را می‌تواند یک سال به تأخیر بیاورد^(۱) که این هم برای رعایت حال کاسب بوده است.

سوم: هنگامی که بین مالک و مستأجر در مورد گنج اختلاف پیش آید، اگر اختلاف در مالک بودن باشد حرف مؤجر با سوگند پذیرفته می‌شود، و اگر در مقدار آن اختلاف داشته باشند حرف مستأجر پذیرفته می‌شود.

چهارم: بعد از اینکه هزینه‌های مورد نیاز برای بیرون آوردن گنج و استخراج معدن مانند حفاری و پاک‌سازی و غیره - کسر شد، آنگاه خمس (آنچه باقی مانده) واجب خواهد بود.

۱- یعنی سر سال خمسی آنرا پرداخت کند. (مترجم)

فصل دوم:

تقسیم خمس

خمس شش قسمت می‌شود:

سه سهم آن برای پیامبر ﷺ است: یعنی سهم خدا، سهم رسول خدا و سهم ذی‌القربی یا همان امام (علیه‌السلام) که بعد از پیامبر برای امامت جانشین ایشان می‌باشد. آنچه که پیامبر ﷺ یا امام (علیه‌السلام) دریافت کرده باشد به وارثش منتقل می‌شود. و سه سهم دیگر: برای یتیمان، مساکین و در راه ماندگان است. شرط است که این سه گروه از طرف پدر منتسب به عبدالمطلب باشند،^(۱) پس اگر انتساب فقط از ناحیه مادری باشد هیچ چیزی از خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد. واجب نیست (که خمس را به) همگی افراد پرداخت کنیم بلکه اگر از هر گروه به یک نفر اکتفا شود نیز جایز خواهد بود.

چند مسئله:

اول: مستحق خمس، فرد مؤمن از نسل عبدالمطلب است؛ یعنی از نسل ابوطالب، عباس، حارث، و ابولهب، و فرقی ندارد که مرد باشد یا زن، و بین آنها

۱- یعنی ساداتی که از نسل عبدالمطلب باشند. (مترجم)

نسل ابوطالب مقدّم هستند و در نسل ابوطالب فرزندان علی و فاطمه (علیها السلام) مقدّم هستند، و بین فرزندان علی و فاطمه (علیها السلام) فرزندان امام مهدی (علیه السلام) مقدّم می‌باشند. دوّم: خمس می‌تواند فقط به یک گروه (از گروه‌های مستحق خمس) پرداخت شود.

سوّم: امام (علیه السلام) خمس را میان سه گروه مستحقّ خمس^(۱) تقسیم می‌کند به -طوری که زندگی معمولی آن‌ها را کفایت کند. اگر چیزی از سهم آن‌ها اضافه آمد، برای امام است و اگر لازم بود از سهم خودش به سهم مستحقّان اضافه می‌کند (تا برای آن‌ها کافی باشد).

چهارم: لازم نیست در راه مانده حتماً فقیر باشد، بلکه نیازمند بودن در شهری که قرار است از خمس به او پرداخت شود کفایت می‌کند، حتی اگر در شهر خود ثروتمند باشد، و این حکم در مورد یتیم نیز لحاظ می‌شود.

پنجم: با وجود مستحق در شهر خود جایز نیست خمس به شهر دیگری برده شود، و اگر با این وجود خمس را به جای دیگری برد و تلف شود ضامن است، ولی در صورت نبود مستحق، منتقل کردن خمس جایز می‌باشد.

ششم: یکی از شروط استحقاق خمس، مؤمن بودن است، ولی عدالت شرط نیست.

۱- یتیم و مسکین و در راه مانده. (مترجم)

انفال:

بحث انفال نیز به بحث خمس ملحق می‌شود.^(۱)

انفال: اموالی است که امام به طور خاص استحقاق آن را دارد مانند آنچه مختص رسول خدا ﷺ بود- که پنج مورد است: زمینی که بدون جنگ و خونریزی به تصاحب درآید- فرقی ندارد ساکنان آن از بین بروند یا به میل خود شهر را تسلیم کنند- و زمین‌های موات (بایر) فرقی ندارد اول تصاحب شده و سپس اهل آن نابود شوند یا زمینی باشد که تملیک آن جایز نباشد مانند صحرا، ساحل، دریا، قلّه کوه‌ها و هر آنچه در آنها است- و حکم زمین‌های پست بین کوه‌ها و نیزار نیز به همین صورت است.

اگر سرزمین دشمن فتح شود هر آنچه برای پادشاه آنها بوده مانند زمین و چیزهای گران‌بها- از آن امام است، البته اگر از مسلمان یا هم‌پیمان مسلمانان غصب نشده باشد، و همچنین امام (علیه السلام) می‌تواند هر آنچه از غنایم را که بخواهد بردارد مثل اسب، لباس، کنیز یا چیزهای دیگر- و آنچه جنگجویان بدون اذن ایشان کسب کنند مختص به امام (علیه السلام) است.

تصرف در انفال بدون اذن امام جایز نیست، و اگر کسی تصرف کرد غاصب محسوب می‌شود و چنانچه سودی از آن به دست آید مختص امام خواهد بود.

۱- چون شبیه خمس است که به دست امام (علیه السلام) رسیده است و ایشان (علیه السلام) آن را مصرف می‌نماید و... (مترجم)

پیوست دوم

پرسش‌های متفرقه دربارهٔ خمس

• پاسخ‌های روشنگر - جلد اول: پرسش ۵۰

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از شما تقاضا دارم شرح تفصیلی خمس و زکات را عنایت فرمایید....

خواهر رشا از بصره - ۸ جمادی الاول ۱۴۲۶ هـ ق

پاسخ: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ

خواهر مؤمن، سلام علیکم و رحمه الله و برکاته.

از خداوند مسألت دارم به همهٔ مردان و زنان مؤمن، خیر دنیا و آخرت را توفیق عطا فرماید. اما خمس و زکات، جزئیات بسیار زیادی دارند ولی به طور خلاصه چیزهایی را بیان می‌کنم:

خمس مخصوص امام معصوم (علیه السلام) و حجّت بر مردم در هر زمان است، آن‌ها اوصیای ایشان می‌باشند و به هر صورت که بخواهند می‌توانند آن‌را مصرف کنند.

خمس در مواردی واجب می‌باشد، از جمله اموال و دارایی‌های استفاده نشده (نو). به خانه‌ای که انسان در آن زندگی می‌کند و نیز اثاثیه‌هایی که استفاده می‌شوند و اتومبیلی که انسان جهت نقل و انتقال به آن نیازمند است و همچنین

منبع درآمدِ روزی انسان، خمس تعلق نمی‌گیرد.
اگر انسان خانه دیگری یا ماشین دیگری یا منبع درآمد دیگری داشته باشد،
خمس بر آنها واجب می‌شود.

احمدالحسن

جمادی الأول ۱۴۲۶ هـ ق

• پاسخ‌های روشن‌گر - جلد دوم: پرسش ۱۳۸

خواهشمندم لطف فرمایید و پاسخ این سؤالات در خصوص خمس را مبذول

بدارید:

فرستنده: صباح مهدی

سؤال: به چه کسی خمس تعلق می‌گیرد؟ آیا بر فقیران و مسکینان نیز واجب

است؟ فقرا و مسکینان زمان ما چه کسانی هستند؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، و صلی الله علی محمد

و آل محمد الائمه والمهدیین و سلم تسليماً.

بر هر فرد مکلفی واجب است، همانند نماز و روزه. موارد و وضعیت‌هایی که

خمس در آنها واجب می‌شود در کتاب شرایع الاسلام موجود می‌باشد.

سؤال: چگونه شخصی که تاکنون خمس نداده است، خمس دهد؟ آیا خمس

شامل تمامی اموال و دارایی‌های خانواده اعم از استفاده شده و استفاده نشده-

می‌گردد؟ (اثاث و تجهیزات منزل، وسایل برقی، لباس و...).

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة والمهدين و سلم تسليمًا.

به خانه‌ای که در آن ساکن است و اثاث مورد استفاده در آن و ماشین شخصی خمس تعلق نمی‌گیرد و همچنین به اصل مالی که نیاز یک سال شخص را تأمین می‌کند؛ مثلاً اگر شخصی کارگاه تولیدی داشته باشد و درآمد کارگاه فقط به اندازه مخارج یک سال خانواده او باشد، به آن خمس تعلق نمی‌گیرد؛ اما اگر درآمد آن بیش از مصرف یک سالش باشد به اصل مال به نسبت اضافه درآمد سالانه‌اش، خمس تعلق می‌گیرد؛ به عنوان مثال اگر هزینه سالانه‌اش ۲ واحد باشد و درآمدش ۴ واحد باشد، خمس نصف اصل مالش (کارگاهش) را می‌پردازد. زمین خانه مسکونی‌اش خمس ندارد و به هر زمینی که غیر از آن داشته باشد، خمس تعلق می‌گیرد و اگر مال اضافی دیگری بیش از آنچه ذکر شد داشته باشد، به آن خمس تعلق می‌گیرد. آنچه بیان شد به اختصار بود و موارد بیشتری نیز در این زمینه وجود دارد.

سؤال: حکم مبلغ جمع‌آوری شده جهت خرید زمین مسکونی برای کسی که مسکن نداشته باشد چیست؟ با توجه به اینکه این شخص هیچ‌گونه درآمد اضافه سالانه‌ای غیر از این مبلغ ندارد؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة والمهدين و سلم تسليمًا.

در صورتی که خمس آن‌را نداده باشد باید خمسش را بدهد. اگر شخصی خمس مالش را به صاحب شرعی آن داده باشد، به مبلغ مذکور خمس تعلق نمی‌گیرد. در صورتی که سال مالی خمس تمام شود و با پول خود مسکن

نخریده باشد، باید خمسش را بدهد.

سؤال: کارمندی از شرکتی که در آن مشغول به کار است، پاداش سالانه دریافت می‌کند. آیا به این پاداش خمس تعلق می‌گیرد؟ و در صورت واجب بودن خمس، آیا هنگام دریافت آن، خمسش را بدهد یا موقع رسیدن سال مالی خمس؟ و اگر بخواهد این پاداش را برای مصرف سالانه هزینه کند، آیا به آن خمس تعلق می‌گیرد؟ و آیا این حکم برای هدایای غیر نقدی هم صادق است؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمه والمهدیین و سلم تسليماً.

به باقی مانده پاداش پس از رسیدن سال مالی خمس تعلق می‌گیرد و همچنین به هدایای غیر نقدی نیز اگر مصرف نکرده باشد در سر رسید سال مالی خمس، خمس تعلق می‌گیرد.

سؤال: آیا به جواهراتی که زن استفاده می‌کند خمس تعلق می‌گیرد؟ خمس طلا و نقره ذخیره شده‌ای که استفاده نمی‌شود چه مقدار و حد نصابش چقدر است؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، و صلی الله علی محمد و آل محمد الائمه والمهدیین و سلم تسليماً.

جواهراتی (طلا، نقره و نظایر آن) که زن به عنوان زینت خودش استفاده می‌کند خمس ندارد و اگر از آن استفاده نکند به آن خمس تعلق می‌گیرد. حد نصاب در خمس وجود ندارد بلکه چنین موردی در زکات مطرح می‌شود.

سؤال: آیا به مبالغی که شخص برای فرزندان خود به عنوان حساب پس انداز

در بانک ذخیره می کند، خمس تعلق می گیرد؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة والمهديين و سلم تسليمًا.

خمس بر کودکان واجب نیست اما به مال آنها تعلق می گیرد. بر سرپرست کودکان نابالغ واجب است خمس اموال آنها را خارج کند؛ در غیر این صورت هرگاه کودک بالغ شود، باید خودش خمسش را بدهد.

سؤال: آیا پرداخت خمس، پرداخت زکات را ساقط می کند، اگر شخص به مقدار حد نصاب نقدینگی و یا غلات چهارگانه نداشته باشد. چه موقع زکات واجب می گردد و شرایط آن چیست؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة والمهديين و سلم تسليمًا.

توضیحات بیشتر در مورد خمس و زکات را در شرایع گفته ام. امیدوارم برادران آن را منتشر کنند و به شما برسانند.

سؤال: حکم خمس در رأس مال شراکتی در فعالیت های تجاری چیست؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الائمة والمهديين و سلم تسليمًا.

پاسخ این سؤال در جواب های قبلی داده شده است.

• پاسخ های روشنگر - جلد سوم

۱- با سید احمد الحسن علیه السلام بیعت می کنم... .

می‌خواهم قسمتی از حق امام مهدی (علیه السلام) را بپردازم، وسیله این پرداخت چیست؟ چشم‌انتظار پاسخ هستم. خداوند شما را یاری دهد.

فرستنده: عمرو - مصر

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم. اللهم صل على محمد و آل محمد الاثمه و المهديين و سلم تسليماً كثيراً.

از خدا می‌خواهم تو را بر خیر آخرت و دنیا موفّق بدارد و تو را تا زمانی که زنده هستی، برای یاری حق استوار بدارد... اما خمس، می‌توانی آن را به مردان و زنان مؤمن نیازمند در سرزمینت، مصر، بدهی و از خدا می‌خواهم به تو توفیق این کار را بدهد و می‌توانی از برادران انصار سؤال کنی تا مردان و زنان مؤمن نیازمند را در سرزمینت بشناسی. خدا شما را حفظ کند و توفیق هر خیری را به شما بدهد.

احمدالحسن

۲- سؤال ۳: حکم کسی که قبل از دعوت، خمس خود را به فقهای خائن می‌داده است چیست؟ آیا لازم است دوباره خمس بپردازد؟ و هرآنچه چنین شخصی بعد از پیوستن به دعوت حقی که شما آورده‌اید می‌سازد چه‌طور؟ با علم به اینکه او دارای خانه، زمین با ملک دیگری می‌باشد.

خدمت کار گناه کار شما: ابو محمد علی انصاری

جواب سؤال ۳: خمس در مورد اضافه درآمد است و نه آنچه نیاز فرد را رفع

می‌کند. اگر یک خانه داشته باشی، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و نیز وسایل مورد استفاده و ماشین شخصی و محل کسبی که نیازت را بدون اضافه درآمدی برآورده می‌کند شامل خمس نمی‌گردد. اما اگر خانه‌ای جز آن یا زمین یا ماشین دیگری داری باید خمسش را پردازی. اما در مورد محل کسب و کار و روزی (محل تجارت، کارخانه یا مزرعه) اگر حاصل آن از نیازت بیشتر است، از اصل مال به اندازه زیاده‌اش، یک پنجم را خمس می‌دهی اما در مورد نتیجه یا مال، آنچه از نیازت اضافه بیاید در آخر سال - خمسش را می‌دهی.

احمدالحسن

۳- یکی از برادران انصار سؤالی به شکل زیر پرسید:

۲۰۰۰۰۰ هزار کرون سوئد دارم که می‌خواهم خمس آن را پردازم ولی خانه یا قطعه زمینی ندارم. با همسرم زندگی می‌کنم و فرزندان ندارم و با مشقت جایی را در سوئد اجاره کرده‌ام.

خدمتگزار شما: ابوحسن

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم. و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الاثمة و المهديين و سلم تسليماً.

خمس در مورد اضافه درآمد است و نه آنچه نیاز فرد را رفع می‌کند. اگر یک خانه داشته باشی، خمس به آن تعلق نمی‌گیرد و نیز وسایل مورد استفاده و ماشین شخصی و محل کسبی که نیازت را بدون اضافه درآمدی برآورده می‌کند شامل خمس نمی‌گردد. اما اگر خانه‌ای جز آن یا زمین یا ماشین دیگری داری

باید خمسش را پردازی. اما در مورد محل کسب و کار و روزی (محل تجارت، کارخانه یا مزرعه) اگر حاصل آن از نیازت بیشتر است، از اصل مال به اندازه زیادی‌اش، یک پنجم را خمس می‌دهی اما نتیجه یا مال، آنچه از نیازت اضافه بیاید در آخر سال- خمسش را می‌دهی.

و در مورد سؤال: خمس فقط در مورد اضافه درآمد است و می‌توانی خمس را خودت به مؤمنان محتاج بدهی.

احمدالحسن

۴- سؤال ۳: اگر خمس مالی داده شود و آن مال دوباره به سال خمسی برسد و خرج نشود آیا دوباره باید خمسش داده شود؟
جواب سؤال ۳: بار دیگر خمس نمی‌دهد.

پاسخ به پرسش‌های دست‌نویس

۱- آیا مسأله خمس در آنچه از خرجی سال اضافه می‌آید در زمان رسول خدا ﷺ وجود داشته است؟ و آیا سهمی برای سادات بنی‌هاشم وجود دارد؟ و اگر سهمی دارند چرا امیر مؤمنان (علیه السلام) آن سهم را به برادرش عقیل در آن ماجرای معروف نداد؟ بلکه طبق فهم کوتاه و قاصر ما- به وی همانند سایر مردم عطا فرمود؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين

به عنوان تشریح؛ آری وجود داشت، اما به عنوان تطبیق و اجرا در آن زمان موجود نبود و این به دلیل عدم تحمل آن توسط مردم بود. پس پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیهم السلام) برای مردم تخفیف قائل شدند. خمس از آن امام (علیه السلام) است و می تواند آن را از مردم ساقط کند. اهل بیت امام یا سادات، عیال و خانوار امام هستند. امام علی (علیه السلام) در حق عقیل کوتاهی نکرد ولی عقیل خواهان مقداری بود که با آن غنی و ثروتمند شود و به مقداری که موجب کفاف و بی نیازی اش شود راضی نبود.

۲- زمین زراعی دارم که در آن سی عدد نخل وجود دارد و در آن موتور آبی هم است که از آن برای آبیاری زمین کشاورزی استفاده می کنم. از این زمین کشاورزی برای خوراک دهی به گاوها - که تعدادشان شش رأس است - بهره می برم. آیا همه این ها یک منبع درآمد به حساب می آیند؟ یا چند منبع درآمد؟ خداوند بهترین پاداش نیکوکاران را به شما بدهد!

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين

زمین و نخلستان و موتور آبیاری یک منبع درآمد، و گاوها منبع درآمد دیگری محسوب می شوند.

۳- من چندین منبع درآمد و حقوق ماهانه نیز دارم. آیا خمس حقوقم را همان گونه که خمس درآمدهایم را می دهم پرداخت کنم؟ یا اینکه از این حق شرعی معاف است؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين

کسی که برای مرتبه اول می خواهد خمس بدهد و بیش از یک منبع درآمد دارد، حق دارد یک منبع درآمد را انتخاب کند تا از خمس معاف باشد (یعنی سرمایه خود را به آن منبع اختصاص دهد). اگر در ضمن منابع درآمد وی حقوق

ماهیه‌ای باشد که کفاف وی را می‌کند سایر منابع درآمد معاف نمی‌شود. اما در مورد حقوق ماهانه، خمس آنچه از آن در رأس سال خمسی وی باقی می‌ماند را می‌پردازد.

۴- من مبلغ ۲۱۵ هزار در ماشینی که متعلق به خانواده‌ام می‌باشد سهم دارم؛ با توجه به اینکه من به عنوان راننده از این ماشین برای کارهای شخصی خودم و رفع نیازهای آنها استفاده می‌کنم، آیا به این مبلغ خمس تعلق می‌گیرد؟

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين

اگر ماشین دیگری نداشته باشی به این مبلغ خمس تعلق نمی‌گیرد.

پیوست سوم

صله امام علیه السلام

کتاب متشابهات - جلد چهارم:

در پاسخ پرسش ۱۵۰ ایشان علیه السلام فرمودند:

... در اینجا راه آسانی برای بخشایش همه گناهان وجود دارد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾^(۱) (کیست که به خدا قرض نیکو دهد تا خدا بر آن چند برابر بیفزاید؟ خدا تنگ‌دستی دهد و توان‌گری بخشد و شما به سوی او بازمی‌گردید).

از اهل بیت علیهم السلام روایت شده است که این آیه (در باره صله امام) است و همچنین از ایشان علیهم السلام روایت شده است که: (در باره صله رحم است و منظور از رحم، به طور خاص رحم آل محمد می‌باشد). خدای سبحان از صله امام به عنوان قرض دادن به خودش یاد کرده و این خداوند است که این بدهی را بازپرداخت می‌کند.

صله امام صورت‌های مختلفی دارد. از جمله: صله با مال، صله با کار کردن به

همراه او، و صلّه جهاد در پیشگاه او با زبان و دندان (گفتار و عمل) برای اثبات حقّ امام (علیه السلام).

تأکید می‌کنم که کارکردن با امام برتر از دادن مال به او است زیرا کار کردن، جسم آدمی را به مشقّت می‌اندازد و اگر در پیشگاه امام با زبان و دندان جهاد کند، چه بسا به از بین رفتن جسمش منجر شود.

بنابراین چه رحمت عظیمی است که حجّت، بین مردم (ظاهر) باشد، چرا که باب عظیمی گشوده می‌شود. بابی که انسان با صلّه امام (علیه السلام) به خداوند قرض می‌دهد و روز قیامت در پیشگاه خدا می‌ایستد و خداوند این قرض را تمام و کمال به او بازمی‌گرداند و اگر این بنده به تعداد شن‌های بیابان با خود گناه آورده باشد برای او بخشیده می‌شود. از برای او نزد خداوند دینِ یومِ الدّین قرضی است و خدا در مقابل اندک و ناچیز بسیار عطا می‌نماید (يعطى الكثير بالقليل) و عطای او بی‌شمار است. خداوند تمام بدهی‌های این بنده و تمام حقوقی که از بندگان بر عهده او بوده است را تسویه می‌کند و بی‌حساب به بهشت واردش می‌نماید.

و در پاسخ پرسش ۱۶۵ فرمودند:

﴿وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ﴾ (و هر که قصد آخرت نماید

و در طلب آن سعی و تلاشش را در آن به کار بندد در حالی که مؤمن باشد): دنیاخواهی به چیزی نیاز ندارد جز نیت و روی‌گردانی از آخرت. ولی آخرت‌خواهی به ایمان به بزرگ‌ترین ولیّ خداوند و حجّت خدا در هر زمان نیاز دارد و مستلزم کار و تلاش همراه ولیّ خدا و حجّت بر مردم، در هر زمان است و

این کار و تلاش از جمله همان قرضی است که خدای متعال درباره‌اش می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾^(۱) (کیست که خدا را قرضی نیکو دهد تا برای او دو چندانش کند و او را پاداش نیکو باشد؟).

به خدا قرض دهد یعنی به امام صله‌ای دهد؛^(۲) خواه مادی و از جنس مال و اموال باشد و خواه به اندازه توش و توانش همراه با ولیّ خدا تلاش کند و با زبان و دستش با ولیّ خدا جهاد نماید، و این صله دوم به طور قطع و یقین برتر از صله نوع اول می‌باشد.

این کسانی که همراه با ولیّ خدا سعی و تلاش می‌کنند پس از ایمان آوردن به او می‌باشد، چرا که ایمان آوردن به او ایمان به خداوند سبحان و متعال است ﴿سَعَيْكُمْ مَشْكُورًا﴾ (از سعی و تلاش‌شان سپاس‌گزاری خواهد شد) و کسی که از آن‌ها سپاس‌گزاری می‌کند خود خداوند سبحان و متعال است؛ زیرا آن‌ها به

۱- حدید: ۱۱.

۲- به کافی ج/ ۱ ص ۵۳۷ باب صله به امام که در آن هفت حدیث وجود دارد مراجعه نمایید؛ از جمله: «هیچ چیز نزد خداوند دوست‌داشتنی‌تر از دادن درهم به امام نیست که خداوند آن درهم را در بهشت برای او چون کوه کند می‌نماید». سپس فرمود: «خداوند متعال در کتابش می‌فرماید: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾؛ (کیست که خدا را قرضی نیکو دهد تا برای او دو چندانش کند و او را پاداش نیکو باشد؟) فرمود: (به خدا سوگند منظور، به طور خاص صله به امام می‌باشد).

از اسحاق بن عمار از ابابراهیم (علیه السلام) روایت شده است: از این سخن خداوند عزوجل سوال کردم: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ﴾؛ (کیست که خدا را قرضی نیکو دهد تا برای او دو چندانش کند و او را پاداش نیکو باشد؟) فرمود: (درباره صله به امام نازل شده است).

خداوند سبحان و متعال قرض داده‌اند و خداوند خودش این (کار و تلاش همراه با امام) را قرضی به خدا در نظر گرفته و بازپرداخت آن نیز بر عهده خداوند است و پرداخت خداوند همان سپاس‌گزاری از این‌ها می‌باشد. چرا که آن‌ها بندگان شاکر هستند که نعمت ولی خداوند بر خودشان را شکر گزارده‌اند و همراه او به سوی خداوند سعی و تلاش نموده‌اند ﴿وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرُونَ﴾^(۱) (و اندکی از بندگان من سپاس‌گزارند).

سپاس‌گزاری خداوند از بنده؛ نعمتی است که بالاتر از آن نعمتی نیست، زیرا نعمتی است که به آل محمد (علیهم‌السلام) اختصاص داده شده و کسی که خداوند سپاس‌گزارش باشد در زمره آن‌ها (علیهم‌السلام) خواهد بود (سلمان از ما اهل بیت است).^(۲) بنگر خداوند متعال در سوره مربوط به آن‌ها (هل اتی) چه فرموده است: ﴿إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيَكُمْ مَشْكُورًا﴾^(۳) (این پاداش شما است و از سعی و کوشش تان سپاس‌گزاری شده است) و این‌ها که در سوره (هل اتی) از سعی و کوششان قدردانی شده است عبارت‌اند از: حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و علی، فاطمه، حسن، حسین، ائمه و مهدیین (علیهم‌السلام) پس کسی که همانند سعی آن‌ها سعی و تلاش کند و از آن‌ها پیروی و با مال و قلب و زبان و دستش همراه آن‌ها جهاد کند از آن‌ها است: ﴿فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَّشْكُورًا﴾^(۴) (آنان کسانی هستند از

۱- سیأ: ۱۳.

۲- عیون اخبار الرضا (علیهم‌السلام) ج ۱ / ص ۷۰ / ح ۲۸۲.

۳- انسان: ۲۲.

۴- اِسْرَاء: ۱۹.

سعی و تلاش شان سپاس گزاری خواهد شد)، یعنی از ما اهل بیت.

والحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الأئمه و المهدیین

و سلم تسليماً

و سپاس و ستایش تنها از آن خداوند آن پروردگار جهانیان است، و صلوات

تام و تمام خدا بر محمد و آل محمد، ائمه و مهدیین باد!